

سالی گذشت! سالی که در راه است!؟

روزهای آخر سال ۲۰۱۵ میلادی را می‌گذرانیم و در آستانه سال نو! سالی که گذشت جهان وارونه سرمایه‌داری بیش از گذشته چهره کریه خود را به بشریت نشان داد. سال گذشته سال تشدید کشمکش‌های ویرانگر ابرقدرت‌های سرمایه‌داری برای تقسیم مجدد جهان جهت چپاول و منافع سودجویانه بیشترشان بود. در این سال آتش جنگ‌های نیابتی بیشتر از هر جایی در خاورمیانه جان و مال و هستی مردم محروم این منطقه را طعمه خود ساخت و بحران بی سابقه مهاجرت اجباری و پناهندگی را برای میلیون‌ها انسان رقم زد. آب‌های مدیترانه هزاران انسان را که در پی سرپناهی، خانه و کاشانه خود را رها کرده بودند طعمه خود ساخت و جهان بار دیگر شاهد رشد و میدان‌داری گروه‌های بنیادگرایی اسلامی و قساوت و وحشی‌گری آنها از یک طرف و رشد راسیسم و نژادپرستی از طرف دیگر بود!

بهای جنون سرمایه در سالی که گذشت را، نه اقلیت حاکم بر جهان که خود عامل همه مصیبت‌های زمانه هستند، بلکه اکثریتی پرداخت که در فقر و بیکاری و ناامنی بسر می‌برد و مجبور گشته به این رذالت و بربریت سرمایه‌داری تن دهد. اما آیا این سرنوشت محتوم بشریت است که هر سال بیش‌تر از سال پیش، قربانی این دنیای وارونه سرمایه‌داری! آیا سالی که در راه است "در بر همین پاشنه می‌چرخد"؟ پاسخ به این سؤال در گرو خاموشی یا بیداری طبقه کارگر، جنبش چپ و سوسیالیستی و تعمیق مبارزه طبقاتی است! بشریت در آستانه سال نو میلادی بیش از هر زمانی در مقابل این انتخاب قرار گرفته است: سوسیالیسم یا بربریت سرمایه!

"جهان امروز" با آرزوی سالی مملو از مبارزه و تلاش برای "جهانی بهتر"، سال نو میلادی را به همه محرومان جامعه شادباش می‌گوید.



مبارزات متحدانه
و نقشه‌مند
جهت تأمین امنیت
در محیط‌های
کار



فرهنگ فساد
هزار ساله
روحانیت در
توبره جمهوری
اسلامی ایران



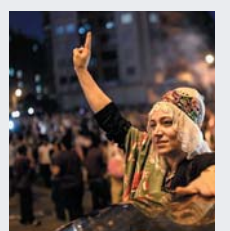
اخراج
پناهندگان
افغانستانی
موقوف



کنفرانس جهانی
تغییرات اقلیمی
پاریس، تلاشی
بی سرانجام



مقاومت
مردم کردستان
در برابر فاشیسم
دولت ترکیه



اطلاعیه حزب کمونیست ایران
به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

عباس منصوران

سالی که گذشت ؟!

2015

گزارش داد که «بیش از یک چهارم دانش آموزان سالانه ترک تحصیل می کنند» (۳) بی گمان شمار دانش آموزانی که پای به مدرسه نگذاشتند یا مدرسه را ترک کردند افزون بر ۶ میلیون نفر است. سالی که گذشت، دانش آموزان بیشتری در ایران در برابر تنگدستی و تحقیر و شکنجه بسیجیان نشانیده شده به جای آموزگاران در آموزش و پرورش اسلامی، ترک تحصیل کرده و یا خود را به دار آویختند. «فرشاد» دانش آموز مازندرانی ۱۴ ساله، تنها نوجوانی نبود که در چهل و هفتمین روز گشایش مدرسه در آبانماه سال ۹۴ خود را حلق آویز کرد. او تنها دانش آموزی نبود که با تحقیر از وی پرداخت پول شهریه خواسته بودند و تهدید به اخراج شده بود. روز ۳۱ خرداد ماه، نیز «پیام» ۱۴ ساله پس از گرفتن کارنامه، دست به خودکشی زد و خود را در خانه حلق آویز کرد. در آشنویه کردستان نیز دانش آموز ششم ابتدایی خود را کشت. در ایلام و کردستان و بویر احمد و بلوچستان بیش از دیگر مناطق؛ خودکشی کودکان و نوجوانان و زنان، فزونی گرفت. به دار آویختن ها در میدان های شهرها و به ویژه در زندان های رژیم اسلامی ایران، رقص دلخواه مرگ را برای پدرخواندگان داعش برپا کرد و خودسوزی و سوزاندن زنان زیر نام خودسوزی، بیش از پیش شدت یافت.

سال همه گیری مرگی خاموش

سالی که گذشت، در آزمایشگاه های خانگی، ماده مرگ آور «شیشه» بیشتری به هدف گسترش کشتار دستجمعی و فلج جامعه تولید شد. زیرا که این آمفتامین، همانند کوکائین و دیگر مواد روانگردان، پریشانی مغزی به بار می آورد تا حاکمیت اسلامی با آسودگی در استبداد دوگانه و ضد انسانی خود باقی بماند. سالی که گذشت، میزان سود یک کارگاه کوچک خانگی با تولید ۱۴ کیلوگرم ماده مخدر شیشه در هفته را بیش از ۱۰۵ میلیون تومان گزارش دادند. (۴) و این از سوی حکومت تبه پیشه، یک رکورد بود و خامنه ای خود به اشتیاق با فهقه ی مرگ، فریاد زد «ما رکورد زدیم!». روزنامه های دولتی ایران درباره پرده برداری وزیر کشور از سود افسانه ای قاچاقچیان مواد مخدر و در مطلبی با تیتیر «درآمد ۱۰ هزار میلیارد تومانی قاچاقچیان مواد مخدر در ایران» نوشتند: گردش مالی قاچاقچیان مواد مخدر در ایران اساس

تشکیل می دهند که به شهر مهاجرت کردند». و با این بیان، ۴۰ درصد بقیه را از شهر به حاشیه و به فلاکت نشانیده شدند. سالی که گذشت به اعتراف کارگزاران حکومتی: «یک سوم روستاها و آبادی های کشور، خالی از سکنه هستند و از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۴، ۳۴ هزار روستا خالی از سکنه شده اند.» در حالیکه ۲۸ درصد جامعه در ایران، روستایی هستند و ساکن در ۶۳ هزار آبادی و روستا، اما ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی (۱) را برگرده ها و دست های رنج و کار خویش برآورده می سازند. به سردستگی حرامیان حاکم، افزون از ۷۰۰۰ روستا در ایران، بی آب و تشنه ماند و وعده رساندن آب به تشنگان سوخته ی بلوچستان و خراسان جنوبی و حاشیه خلیج فارس و... با تانکر همانند همه ی وعده های حکومت اسلامی به پشتوانه ی دروغ های شرعی و «تقیه های» قرآنی، روی کاغذ ماند. شهرها ویرانه تر شدند و شکاف طبقاتی ژرفا گرفت. سالی که گذشت، «ناسا»، سازمان هوایی آمریکا، در مریخ، اثری از آب یافت؛ تا روزی بشر گریزان از زمین به «بهرام» پناهنده شود که پیشاپیش بلیط های سفر برای سرمایه داران سفارش داده شده است.

آیت الله صادق آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه سرمایه، «در همایش وحدت حوزه و دانشگاه و تفکر بسیجی» که در قبرستان شهر بابل در مازندران با «دعوت از سرمایه گذاران برای شرکت در رشد اقتصادی و اشتغال زایی کشور گفت: «امیدواریم کشورهای غربی برخلاف تعهدات خود در مساله برجام و پسا برجام عمل نکنند». (۲) او در کنار برادران قاچاقچی دیگرش چون علی لاریجانی، محمد جواد، و باقر لاریجانی و فاضل لاریجانی (کوچیده از جبل آمل لبنان در سالهای دور) یکی در راس قوه مقننه، و دیگری قضاییه و دیگری در راس دیگر ارگان های حکومتی و او به یاری اهرم های قدرت سیاسی باندها، و دلالاتی همانند بابک زنجانی ها و سعید مرتضوی های جنایتکار به پشتوانه سید علی خامنه ای لمیده در بیت رهبری، به دزدی های کلان بازهم بیشتری ادامه دادند.

خودکشی دانش آموزان

سالی که گذشت، بیش از سال پیش شمار دانش آموزانی که ترک تحصیل کردند افزوده شد. مرکز آمار شمار دانش آموزان در ایران را ۱۴ میلیون

سال میلادی ۲۰۱۵ برای تهی دستان زمین، با آخرین روزهای خود، بر گردونه زمان خونبار و سیاه و سوگوار، می گذرد. این سال ویرانبارتر از پیش، اوج جنایت های مناسبات سرمایه داری علیه بشریت بود. سالی که زاد و بوم و زیست زمین، گرم ترین سال خود را تجربه کرد، زمین به فریاد آمد، یخ های قطب، آب و سیلاب روان شد. میلیون ها تن در سراسر جهان، بی سرپناه با سیل رفتند. گازهایی «گلخانه ای» کارخانه های سرمایه داران، لایه ی حیاتی زمین را با دیواری از سم های مرگ آور اشباع کردند. سم بر آسمان برخاست تا بر جان مردمان، سنگین فروبارد تا به بهای نابودی «اقلیم» زمین در اسارت سرمایه داران سیری ناپذیر، با استثمار طبیعت، سودهای سرشار ربوده شود. در ایران، سلطان ها و سکنه های مغزی و قلبی از آسمان الهی انباشته از سرب و گاز های کشنده فرو باریده و مرگ زا شدند. جاده های مرگ و بزرگ راه ها و گردنه های جمهوری اسلامی، به نسبت افزون بر جنگ ۸ ساله مرگ و نیستی آفریدند. سالی که گذشت، به سودای سرمایه افزایی در جهان، افزون بر ۵۵۰ میلیون تن گاز سمی، در بخشی از زمین سیل های ویرانگر و در بخش دیگر خشک سالی و کویر و قحطی آفرید. لایه «اُزن» را از هم شکافت و یکراست اشعه ی ماوراء بنفش بیشتری وارد زمین شد و لایه ی حفاظتی «اُزن» نتوانست بازدارنده این اشعه فرابنفش سرطان زا باشد. ایران در میان همه کشورهای آلاینده، به سبب حاکمیت پلید طبقاتی در این جنایت به رتبه دهم رسید، تا نقش خود را در رده بندی فساد، کشتار، زندان، تجاوز، اسید پاشی، تروریسم دولتی، قتل عام، خفقان، دروغ و تباهی آفرینی و ویرانگری و همه بیماری ها و پلیدی های نظام طبقاتی در بالاترین حد جنایت برساند. سالی که گذشت بی خانمانی و بیکاری، آوارگی و مهاجرت، کودکان کار و خیابان و زنان کارتن خواب و خیابان خانه، اوج هولناک تری گرفت. به سود طبقه حاکم و حکومت اش، فلاکت بر جامعه بارید به اعتراف «معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری» از وجود ۱۴ میلیون حاشیه نشین در ایران خبر داده شد. بی گمان این شمار بی خانمانان پرتاب شده به حاشیه و مرز نابودی، فراتر از این شمار است. ابوالفضل رضوی در حاشیه همایش توسعه روستاها در گچساران در جمع خبرنگاران افزود: «شصت درصد از حاشیه نشینان را روستائیان

کابل شجاعانه کمر بست. ملای شاید چند برگ سوخته قرآنی را از دخمه بیرون آورد و فرخنده را به سوزاندن قرآن متهم کرد. در پی این حيله شرعی، شماری از اوباشان و لمپن‌های مسلمان، فرخنده را با چوب و سنگ از پای درآوردند، او را به آتش کشیدند و پیکر سوخته اش در بستر خشک دریای کابل افکندند. فیلم این جنایت مذهبی در جهان بازتاب یافت. سه روز بعد، زنان پیشتاز و رزمنده تابوت او را بر دوش گرفته و به هیچ ملایی اجازه حضور ندادند و فرخنده را به خاک سپرده شد. در سالی که گذشت، صدها زن ایزدی کرد در اسارت امیرالمؤمنین حکومت اسلامی در بازارهای دولت اسلامی برای بردگی و تجاوز به فروش رسیدند، شماری دست به خودکشی زده اند. جمعی از این زنان به دست داعش کشته شدند که با آزادی منطقه شنگال (سنجار)، گورهای دستجمعی، شماری از آنان کشف شد.

سالی که گذشت حزب الله در ایران با نام گروه انصار حزب الله، به امر امام خود، به سرکوب زنان «بدحجاب» فرمانی قرآنی یافتند. اسیدپاشی، بخشی از طرح «صیانت از حجاب و عفاف در جمهوری اسلامی ایران نامیده شد». سید یوسف طباطبایی نژاد -امام جمعه اصفهان- در خطبه‌های نماز جمعه اعلام در مهر ماه سال ۹۳ فرمان داده شده بود در سال گذشته با مرگ یکی از قربانیان، بسان زخمی بر قلب جامعه باقی ماند. امام جمعه از قرآن آموخته بود:

«مسئله حجاب دیگر از حد تذکر گذشته است و، برای مقابله با بدحجابی، باید چوب تر را بالا برد. و از نیروی قهریه استفاده کرد». سید یوسف طباطبایی نژاد ظهر سه شنبه، در همایش حجاب و عاشورا ضمن بررسی مسئله حجاب از منظر قرآن اظهار داشت: «در آیه ای از قرآن، خدا گفته است، "قرآن را نازل کردیم که مردم را به قسط و عدل فرا خواند" اما در کنار این آیه لفظ آهن را به کار می‌برد که همه مفسران قرآن آهن را بر برخورد جدی و شمشیر تعبیر کرده‌اند» (۶)... با نصیحت تنها نمی‌توان کاری کرد... «امر به معروف و نهی از منکر هم زمان قدیم به صورت افرادی به نام محتسب بوده است که شلاق به دست بوده است...» (۷) «طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ۲۴ ماده‌ای در جلسه علنی مجلس اسلامی ۱۶ تیرماه (۹۳) به تصویب رسیده بود. این طرح اختیار نیروهای بسیج برای «امر به معروف و نهی از منکر» به وسیله از جمله اسید بر روی حکومت شونندگان را افزایش می‌دهد.

تروویسم دولتی ترکیه

سالی که گذشت در خرداد ماه، راه

بحران مواد مخدر دست و پا می‌زنند. وزیر آموزش و پرورش علی‌رضا علی‌احمدی اسفند ماه ۱۳۹۲ گفته بود: «ارائه آمار مستند و انتشار آن باعث ایجاد نگرانی در والدین می‌شود و این امر درستی نیست». سالی که گذشت، تولید انبوه ماده روانگردان و مخدر «کپتاگون» به بازار بین المللی مواد مخدر ره یافت. در سوریه و لبنان، این مواد مخدر، با سودی سرشار برای داعش، حزب الله، شاهزادگان عربستان و امارات عربی، ترکیه، مرکز تولید «کپتاگون» را از لبنان به سوریه برد تا همانند نفت، درآمدی سرشار آورد و آدمکشان اسد و حزب الله و روس و نیز داعش را برای کشتار، به تهیجی روانی در شبانه روز بکشاند.

زخم ماندگار اسید و تجاوز

سالی که گذشت، بهای نفت به پایین ترین نرخ کاهش یافت و از بشکه ای صد دلار به پایین تر از ۴۰ دلار رسید، و حکومتیان در ایران برای جبران این کاهش، بیش از پیش به قاچاق مواد مخدر، ترافیک زنان برای بردگی جنسی، احتکار، حراج هستی جامعه و شدت افزایی استثمار بر گرده ی نیروی کار روی آورد. سالی که تجاوز و به درخت بستن و کشتار زنان بی پناه و فرودست در هندوستان و پاکستان و بنگلادش فزونی یافت. سالی که دولت اسلامی در مناطق اشغالی عراق و سوریه، زنان را به بردگی و تجاوز و سنگسار و کشتار گرفتند. سالی که گذشت، شنگال از دست داعش آزاد شد، با گورهای دستجمعی زنان و کودکان و زنان ایزدی دوش به دوش



مردان، سلاح بر گرفتند، تا همانند کوبانی، و جزیره و افرین در برابر اسارت پیکار کنند. سوختگی اسیدی به فرمان سیدان بر سر و روی زنان در اصفهان به فرمان امام جمعه شهر به صورت زنجیره ای اسید پاشیده شده گوشه ای از کارنامه حکومت اسلامی ماند. فرمان اسیدی داده می‌شود همچنان تا اعتراض ها و خواست های زنان در رعب فروشکسته شود. در ۲۸ اسفند (حوت) ۱۳۹۳ (مارس ۲۰۱۵) فرخنده ملکزاده، دختر ۲۷ ساله افغانستان به افشاکری ملای دعا نویس مسجد «شاه دو شمشیره» در

اقتصاد ایران را به لرزه درآورد. آن‌ها سالی سه میلیارد دلار معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان درآمد به جیب می‌زنند. گزارش شد که بیش از ۳۰ درصد مصرف‌کنندگان مواد مخدر در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارند و ۲۸ درصد آن‌ها ۲۹ تا ۳۴ ساله هستند». او آمار تکان دهنده دیگری هم دارد: «در هر سه ساعت یک نفر جان خود را بر اثر اعتیاد به مواد مخدر از دست می‌دهد». مرگی که آنقدر آرام رخ می‌دهد که کمتر رسانه‌ای می‌شود! عبدالرضا رحمانی فضلی سرپاسدار حکومتی در پست وزیر کشور است در این اعتراف می‌افزاید: «گردش مالی مواد مخدر، سیستم اداری، قضایی، بورس، خرید و فروش و فرهنگ را فاسد و یک کشور را دچار آسیب می‌کند» (۵).

سالی که گذشت، فقر و ناداری، شدت بهره کشی، بیکاری، فلاکت سراسری، بی‌آفتی و نداشتن امید به آینده در میان جوانان، شدت بیشتری گرفت و مواد مخدر در این بحران اقتصادی و سیاسی، بازار و قربانیان بیشتری یافت. عبدالله عراقی فرمانده واحدهای سپاه پاسداران ایران در تهران بزرگ و نیز محسن رفیق‌دوست وزیر پیشین سپاه پاسداران، سردار نقدی فرمانده جنایت پیشه ی بسیج در پیوند با باندهای تبهکار و قاچاق مواد مخدر، در اروپای شرقی، محور ترکیه ایران، افغانستان با طالبان شریک و همراه هستند. سجاد حق پناه از مسئولان پیشین اطلاعات سپاه پاسداران ایران از ترافیک مواد مخدر پرده برداشت و گفت: «شماری از فرماندهان سپاه پاسداران ایران در قاچاق مواد مخدر مستقیماً دست دارند و تریاک خریداری شده در افغانستان را در آزمایشگاه‌های داخل ایران تبدیل به هروئین و مرفین می‌کنند... سجاد حق پناه گفته است که دهها اتوبوس حامل زائران ایرانی به عراق، ترکیه و سوریه برای نقل و انتقال هزاران کیلوگرم مواد مخدر از سوی سپاه پاسداران ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. «بوالفضل اسلامی» یک دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی فاش ساخت که فعالیت های سپاه پاسداران در زمینه قاچاق مواد مخدر به سوداگری در قاچاق مواد مخدر روی آوردند. سودهای ککهکشانی، تنها انگیزه سران حکومتی نیست، بلکه معتاد ساختن جامعه، زمین گیر کردن جوانان، و فلج ساختن نیروهای سازنده و مردمی و دگرگون ساز امروز و فردای جامعه، از جمله ی مهمترین هدف های حکومت اسلامی می باشند. آماری دقیق در دست نیست، اما می‌توان به این آمار تکیه کرد که نزدیک به ۴۰ میلیون نفر از ساکنین ایران به نوعی در چنگال

روسیه به جنگ زمینی شتافتند. حمله موشکی از دریای مازندران با موشک های میان قاره ای به یاری بمباران های هوایی شتاب گرفت. حکومت ترکیه، کردستان ترکیه و سوریه و عراق را بمباران کرد و سرکوب خیزش خلقی به پاخاسته در کردستان سوریه و ترکیه را در این فرصت آسمانی به پیش برد. آمریکای شمالی و ناتو، در سوی دیگر، نیروهای پیشمرگ به فرمان دولت «پارزانی» و اتحادیه میهنی کردستان عراق را بسان نیروی زمینی خویش به میدان جنگ ارتجاعی کشانید. جنگ نیابتی از دو سوی به رهبری آمریکای شمالی و روسیه نوتزاری دو سوی بلوک سرمایه جهانی، با پیاده نظام نیروی نظامی کردستان از سویی و در دیگر سوی با حزب الله لبنان و سپاه قدس و جوانان مهاجر و بی پناه افغانستان به پیش برده شد. میلیتاریسم سرمایه جهانی بر خاور میانه و بخش های دیگری از آسیا و آفریقا و اروپا همانند کرکسی خونخوار چنگال گشود.

هجوم پیشا و پسای برجام

سالی که گذشت، بیش از پیش سال سرکوب جنبش کارگری، و قربانی کردن طبقه کارگر فرش قرمز زیر پای نولیبرالیسم اقتصادی سرمایه جهانی بود. پس از دو سال مذاکره در بیست و سوم تیر ماه ۹۴ در وین پایتخت اتریش باندهایی از حکومت در ایران با حکومت های جهانی سرمایه (۵+۱) به «برجام» دست یافتند. روز (۱۸ اکتبر ۱۰۱۵) با ۲۶ مهرماه ۹۴، با نمایشی نفرت آور با حکم حکومتی ولی فقیه، در مجلس شورای اسلامی ایران تصویب شد. در پی توافق باند اصلاحات و خامنه ای با آمریکای شمالی و غرب در نشست ۲۳ تیر ۱۳۹۴ توافق «برنامه جامع اقدام مشترک» در وین، باید روسیه به همراهی باند همقطار در ایران، به بحران آفرینی دست یازید. سیاست اوباما رئیس جمهور و حزب دمکرات آمریکا، سیاست دیالوگ و پشتیبانی از باند اصلاحات بود نه تغییر رژیم در ایران، روسیه باید این بازی را با دخالت مستقیم نظامی به هم می زد. این رویکرد حتی تا آستانه درگیری نظامی در آسمان ترکیه و سرنگون سازی بمب افکن روسیه و تهدیدهای ناتو پیش رفت. الیگارش های حاکم در روسیه در این هجوم نظامی و غرق در بحران با انتقال موشک های بین قاره ای ۴۰۰، ایجاد فرودگاه ها و پایگاه های نظامی بیشتری در سوریه، افزون بر پایگاه دیرینه طرطوس در دهانه ی دریای مدیترانه مجالی تاریخی یافت. ارتش آمریکا و ناتو، آسیا و به ویژه خاور میانه را دوباره جولانگاه ساخت.



سالی که گذشت، ازدهای زرد، خفته و خموش، «یوان» واحد پول اش را به ارز جهانی تبدیل کرد، هزاران کارگر را در معادن ذغال سنگ از پای در آورد، صدها اعتراض و اعتصاب کارگری را سرکوب کرد تا امنیت و جذب سرمایه گذاری جهانی را بر گرده ی نیروی کار ازان، با مشت آهنین حکومت استبدادی سرمایه دولتی هموار سازد و بخش های بازمه بیشتری از جهان را به بهایی کم بستاند و به پشتوانه ارزش افزوده از استثمار طبقه کارگر، قرضه های دولتی دولت های سرمایه داری از آمریکای شمالی گرفته تا اروپای غربی را خریداری کرد. چین در دریا و آبهای آزاد موسوم به دریای چین، مجمع الجزایر مصنوعی ساخت تا به ذخایر نفت و گاز این منطقه دست یابد. به اینگونه چین با استفاده از پیشرفته ترین فناوری های مکنده، در چند ماه، جزایری مصنوعی در دریا به پا کرد. با ساختن فرودگاه و پایگاه دریایی مسافت ۹ ساعته تا فیلیپین را به ۹ دقیقه پرواز کاهش داد. تا در این میان ویتنام و فیلیپین را از ادعای حاکمیت بازدارد. این بهانه ای شد تا آمریکای شمالی تجاوز و به میلیتاریسم خود را مشروعیت دهد.

نوتزاریسم روسیه

سالی که گذشت، سال سیاست جدید نوتزاریسمی و فاشیستی روسیه سرمایه داری بود که در جنگی نیابتی به وسیله اسلام سیاسی ایران و حزب الله به پیش برده شد. با رفت و آمد قاسم سلیمانی فرمانده نیروی تروریستی قدس به روسیه در سال ۲۱۰۵، نقشه نظامی روسیه، کارگزاری می شود. روسیه در روز اول سپتامبر ۲۰۱۵ به دخالت نظامی مستقیم روی آورد و با بستن پل هوایی بر فراز ایران و عراق،



نیروهای میانه و «ارتش آزاد» در هم شکسته و ناپسامان مورد پشتیبانی ترکیه و آمریکا را درهم کوبید. داعش، بی آسیب ماند. حزب الله، سپاه قدس و پاسداران حکومت اسلامی و نیروهایی از عراق زیر فرماندهی قاسم سلیمانی به همراه ارتش سرمایه در سوریه همراه با بمباران های

یافتن حزب کردی «دموکراتیک خلق» (HDP) بود که با ۱۳,۱۲ درصد آرا در جایگاه چهارم به پارلمان بورژوایی ترکیه را یافت. و این ره یافت هرچند برای طبقه کارگر و تهی دستان، برای رهایی و تعیین حق سرنوشت راه گشا نبود. این آزمون نشان داد که هیچ تضمین و گزینه ای جز انقلاب سوسیالیستی و حکومت کارگری برای خود گردانی راستین و شایسته انسان در میان نیست. با این همه در این شرایط، با رویکرد به نوعثمانیسم مذهبی سرمایه داری حاکم متحد داعش در ترکیه، بازی پارلمانتاریستی خویش را برنتابید. سران ارتش ترکیه و تروریسم دولتی به رهبری اردوغان و حزب حاکم «عدالت و توسعه» با کسب نزدیک به ۴۱ درصد، به سیاست میلیتاریزه کردن بیشتری روی آورد. بر سر و بام کارگران و زخمکشان در کردستان به پشتوانه ارتش ناتو به رهبری آمریکای شمالی بمب افکن و داعش بارید. بمب گذاری در همایش های پیش از انتخابات در شهر «آمد» (دیاربکر) بمب گذاری ۵ ژوئن ۲۰۱۵ و شکستن آتش بس با پ.ک.ک پی آمد بازی پارلمانتاریستی سرمایه داری بود. روز ۲۰ ژوئیه ۲۹ (تیر ماه ۹۴) دست کم ۳۰ نفر در انفجاری انتحاری در شهر کردنشین سوروج در جنوب ترکیه و در نزدیکی مرز با سوریه جان باختند و بیش از صد نفر مجروح شدند. ۱۸ مهر ماه ۹۴ گردهمایی "نان، صلح و دموکراسی" با فراخوانی جمعی از فعالان سندیکاهای کارگری و نیز پشتیبانی حزب "دموکراتیک خلق ها"، ساعت ۱۰ صبح (به وقت محلی) با دو یا سه انفجار پیاپی افزون بر ۹۰ نفر کشته و صدها نفر به سختی زخمی شدند.

این یک تروریسم دولتی به دست دولت ترکیه و با همدستی داعش بود. همانگونه که انفجار در یک مرکز فرهنگی رخ می داد و محل اقامت صدها جوان سوسیالیست و پیشرو که در مکانی برای گفتگو پیرامون شرکت در بازسازی «کوبانی» در سوریه گرد آمده بودند. تشکیلات نظامی و تروریستی ارگه نه کن (Ergenekon) سرمایه داران در ترکیه، تروریسم ارتش سرمایه در ترکیه را وظیفه مند است. نام دیگر این تشکیلات جنایتکار وابسته به سازمان امنیت (میت) و ارتش ترکیه «تشکیلات مقاومت ترک، یا ت ام ت (Türk Mukavemet Teşkilatı TMT) نام دارد و ممدوح اونلوترک (Memduh Ünlütürk) از ژنرال های آن است که آشکارا در کودتای نظامی سال ۱۹۷۱ به دست سیا و پنتاگون و به کارگزاری فرماندهان ارتش در ترکیه تشکیل شد، مجریان تروریسم دولتی در ترکیه هستند.



تروریسمی که سرمایه آفرید!

سالی که گذشت داعش بسان ارگان ایدئولوژیک سرمایه جهانی سرمایه مالی در حال بحران، ترور آفرین شد. پدرخوانده ی داعش، در زمستان سال ۱۳۵۷ در حومه پاریس در «نوفل لوشاتو» زیر درخت سیب نشانیده شد. خمینیسیم گزینه ی ایالات متحده آمریکا شمالی و کنفرانس سران جهانی سرمایه در نشست «گوادالوپ» در برابر انقلاب در ایران بود. روز هفتم ژانویه ۲۰۱۵ مجله فکاهی پیشرو «شارلی ابدو» (Charlie Hebdo) به جرم انتشار کاریکاتوری از محمد، مورد هجوم قرار گرفت و ۸ نفر از نویسندگان و دست اندرکاران آن را به رگبار بستند. پاریس در سالی که گذشت سالی خونبار تجربه کرد: روز ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ داعشیان در پاریس، با تیراندازی رستوران کامبوج ۱۴ تن را کشتند و همزمان سالن کنسرت «باتاکلان» افزون بر ۱۰۰ نفر را و در استادیوم ملی فرانسه در جریان مسابقه میان دو تیم ملی فوتبال فرانسه و آلمان به قصد جاری ساختن جوی خون با دو انفجار هجوم بردند و همزمان در خیابان های پاریس از جمله خیابان شارون ۳۵ نفر دیگر را کشتند.

سالی که از سوی

مرگ باریدن گرفت!

سالی که گذشت در ایران سال قتل عام کارگران در مسلخ سرمایه بود، در داربست ها، دیگ های مذاب و قیر و چرخ دنده و معدن ها و میان آهن پاره ها و جاده های مرگ، کارگران سازمان پزشکی قانونی، استان تهران را در رده نخست مرگ کارگران اعلام کرد. نام خراسان رضوی و فارس در رده های بعدی بیشترین تعداد مرگ و میر کارگران را در کارنامه داشت. سرمایه داران، به هزینه جان کارگر، و قربانی کردن نان آوران خانه هیچ بهایی نپرداخت. سال دستگیری، شکنجه و کشتار کارگران پیشرو. سال قربانی شاهرخ زمانی ها و کورش بخشنده ها برای امنیت سرمایه و وعده به سرمایه گزاری های فراخوانده شده برای شرکت در حراج، روز ۱۳ شهریورماه سال جاری در زندان رجایی شهر. شاهرخ زمانی را کشتند تا چنان که خود او در یکی از نامه های نوشته بود: «مردم را از نمایندگان واقعی خود در رسیدن به اهداف خود محروم سازد». کورش بخشنده از فعالین پیشتاز جنبش کارگری و سوسیالیستی، عضو شجاع کمیته هماهنگی، در روز ۵ نوامبر ۲۰۱۵ پس از دستگیری ها و شکنجه ها و تهدیدهای پیاپی با قلبی آسیب دیده، اما پرامید از پای در آوردند. و کارگران و زحمتکشان در سنج با

پرچم سرخ و سرود اترناسیونال پیکرش را بر شانه نهاده و گرامی داشتند.

مقدرات ژدایی از قانون کار!

سرمایه داران به پشتوانه شرع اسلام برای افزایش امنیت سرمایه گذاران، بیش از ۹۰ درصد قراردادهای کار را در سال گذشته، قراردادهای موقت و سفید امضا گردانید تا هیچ ماده ای از مواد قانون کار خود سرمایه، شامل کارگران نگردد. حکومت سرمایه در ایران، در آخرین روزهای سال میلادی، با دستبرد چند باره به قانون کار خود، بنا به پیش نویس «برنامه ششم



توسعه»، حکومت اسلامی نام کارگران و دستمزد کارگران را تغییر داد تا مشوق سرمایه گذاران شود. روز ۲۶ آذر ۱۳۹۴ (۱۷December ۲۰۱۵) اعلام شد: «کارورزان زیر ۲۹ سال، ۷۵ درصد از حداقل دستمزد را دریافت خواهند کرد» به بیان دیگر «سال اول اجرای این برنامه، کارگران ۵۰۰ هزار تومان دریافت خواهند کرد؛ البته در صورتی که شرایطی مانند داشتن سن زیر ۲۹ سال و اینکه تا کنون سابقه تأمین اجتماعی نداشته باشند» (۸).

سالی که گذشت در جهان، میلیون ها کارگر، در اوج بحران جهانسوز سرمایه، به بیکاری کشانیده شدند، استثمار شدت بیشتری یافت، نژادپرستی و فاشیسم در اروپا و آمریکای شمالی به ویژه شدت یافت، جنگ در آسیا و اروپا شعله کشید و بیش از همه طبقه کارگر را در کام خود کشید. در ایران قربانیان این بحران، بیش از همه طبقه کارگر، به ویژه کارگران مهاجر افغانستان بودند. سالی که بنا به آمار «سازمان ملل متحد»! افزون بر ۶۰ میلیون نفر در جهان آواره شدند.

«تروئیکا» (ارابه ی سه اسبه) یعنی سه نهاد جهانی سرمایه (اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول) یونان را از پای درآورد و این کشور ورشکسته و به فروش گذارده شد. گزینه «چپ نو» و اتحادیه های سنتی، با به قدرت رسیدن حزب سیریزا در انتخابات یونان به رهبری پوپولستی به نام آکسیس سیراس به نخست وزیری، همان سیاست های «ریاضت اقتصادی» کارگزاران

پیشین را به پیش برد. یونان و طبقه کارگرش، در چنگال بحران و وام ها و سی دی اس ها (Credit Default Swap (CDS)) در فریب پارلامنتاریسم و سوسیال دموکراسی فاسد در هم فروپاشید. سرمایه جهانی در عمق بحرانی شدید، خط تولید را به خط تولید جنگ ابزارهای مخوف و جهانسوز بر کرده طبقه کارگر چرخانید. بحران به کشورهای پیرامونی فرافکنده و مرگزا شد و سرمایه مالی، چرخه تولید را به بورس بازی و قمار سهام کشانید. در برابر، میلیون ها کارگر به خیابان آمدند، و به خانه بازگشتند، در مهار اتحادیه ها و تشکل های سنتی، در کمبود آگاهی طبقاتی و نبود بین الملل انقلابی طبقه جهانی کارگری.

خود سوزی کارگران!

سال گذشته، تنها سیروس نیکخو، فرزند رستم، کارگر ۴۵ ساله از روستای لکر شهرستان ملکان در کرمان سرشار از سنگ مس نبود که روز ششم مهرماه ۹۴ با ریختن بنزین بر سر در دادگستری ملکان به دادخواهی، به خودسوزی اعتراضی دست زد و هیچ واکنشی نیافت و در شرایطی امنیتی و نظامی به خاک سپرده شد. استاندار کرمان در برابر اعتراض ها و اعتصاب های کارگری اعتراف کرد از ابتدای سال جاری تا کنون (در کرمان) حدود ۶۵۰۰ اعتصاب و اعتراض کارگری در سطح استان رخ داده است. محمد علی میرزایی ۴۰ ساله و دارای دو فرزند تنها کارگری نبود که به دست سرکوبگران سرمایه روز ۲۶ خرداد ماه ۹۴ به قتل رسید. ساعت شش صبح، او به همراه دیگر کارگران شرکت معدنچو در اعتراض به ۳ ماه بلاتکلیفی پس از تعطیلی معدن در ابتدای جاده پابدانا شرکت کرده بود. استاندار کرمان با اشک تمساح به اعتراف افزود: «حال با این اوصاف شاهد اخباری مبنی بر مرگ یک کارگر معترض از معدنچوی زرند و خودسوزی کارگری در مقابل شهرداری استان کرمان بوده ایم، لذا توجه به قشر کارگرانی مانند شهرداری که گاهی حقوق و دستمزدشان ۳ ماه یکبار پرداخت می شود آیا نشان از کم لطفی مسئولین به این قشر زحمتکش نیست» (۹). تاریخ ۳۱ فروردین ماه سال ۹۴ بازهم کارگر اخراجی کارخانه «فراسو» خود را در محوطه کارخانه آتش زد و پس از دو روز در بیمارستان سوانح سوختگی تهران جان باخت. رفقای کارگر جانباخته به ایلنا (خبرگزاری خانه کارگر اشغال شده) گفته اند: «آقای «ع ن» در اعتراض به نحوه اخراج اش اقدام به خودسوزی کرده است. گفته می شود این کارگر که حدود هفت سال پیش به عنوان کارگر خط تولید در استخدام



انقلابی و سراسری فراروید. این واکنش در برابر کنش حاکمیت و هجوم سرمایه داران، برای «ایجاد جو روانی» سرمایه داران در سرمایه گذاری و امنیت سرمایه در روز ۱۷ آذرماه ۹۴ بود. عیسی مشایخی مدیر عامل شرکت پتروشیمی بین المللی (یکی از شرکت های زیر مجموعه پتروشیمی خلیج فارس) اعتراف کرد: «با اجرایی شدن برجام، جو روانی مثبتی برای حضور دوباره سرمایه گذاران خارجی ایجاد شود.» مشروط به خاموشی طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی، و این ناشدنی است. مبارزه طبقاتی پرتنش و شتابنده، در پیشروی.

منابع:

۱ <http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=۷۰۶۴۷۳>

۲ <http://www.iribnews.ir/NewsBody.aspx?ID=۱۰۵۸۴۸>

۳ <http://www.momtaznews.com>

۴ <http://fararu.com/fa/>

۵ <https://www.tabnak.ir/fa/>

۶ <http://www.mehrnews.com/>

۷ <http://aftabnews.ir/fa/>

۸ <https://www.tabnak.ir/fa/mobile/>

۹ <http://dana.ir/News/۴۳۸۱۰۳.htm>



طبقه کارگر نسبت به سال ۸۸ را در پی داشت به بیانی دیگر، ارزش ریالی ۱۰۰۰ تومان در سال ۸۸ به حدود ۲۸۳ تومان کاهش یافت. سالی که روی به پایان است، طبقه کارگر ایران در رشته پتروشیمی و نفت به پاخواست تا آزمون محاصره مرکز کار و تولید را به تجربه بگذارد. با واگذاری بقایای سهام شرکت هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس در بردارنده دستکم ۱۵ زیر مجموعه ی تولیدی و خدماتی و در برگیرنده بیش از ده هزار کارگر، از سوی وزارت نفت رژیم به باندهای حکومتی زیر نام «بخش خصوصی» اعتراضات گسترده کارگران شاغل در شرکت های نفت و پتروشیمی در استان های بوشهر (عسلویه) و خوزستان (به ویژه ماهشهر) بالا گرفت. با اجرایی شدن این طرح، سرمایه داران، کارگران قرارداد رسمی



را از پوشش قوانین نیم بند قانون کار سرمایه به بیرون پرتاب کرده و زندگی و زیست دهها هزار از کارگران و خانواده زیر پوشش آنها را به سوی فقر و فلاکت و محرومیت بیشتری می کشاند. شش هزار تن از کارگران بزرگترین مجموعه ی پتروشیمی در خاور میانه، در آغاز با تومار، سپس با اعتصاب غذا و سرانجام در روز ۲۳ آذرماه با سازماندهی دیواره انسانی مراکز تولیدی و خدماتی را به محاصره گرفتند. این هنوز یک واکنش تدافعی طبقاتی است که باید به آگاهی و سازمانیابی سیاسی طبقاتی و

کارخانه فراسو بود و هنگام مرگ ۲۷ سال داشت و دارای یک فرزند ۶ ساله بود. سال گذشته بنا به گزارش های دولت سرمایه، افزون بر ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار در ایران ثبت شد و به مرگ دستکم، هزار و ۸۰۰ کارگر انجامید. این تنها قله ای است از کوه یخ کشتار کارگران به سود سرمایه.

آزمون محاصره تولید!

بنابه فرمان حکومت سرمایه در ایران، در روزهای پایانی سال میلادی، در عسلویه کارفرمایان شرکت های پیمانکار از سوی حکومت اسلامی مجاز شناخته شده اند تا در صورت هرگونه اعتصاب (به کارگر) بدون دادن حق و حقوق، «تسویه حساب شود». کارگران شاغل در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی حتی حق تشکیل ابتدایی ترین نهاد صنفی کارگری را ندارند، قراردادهای جدید واگذار شده به بخش خصوصی، فرمانی کشیدن دیوار بلند پاسداری از سرمایه ی به دور کارگاه است. مجتمع پتروشیمی خلیج فارس نخستین شرکتی است با این فرمان. این شرکت ها به اعتراف معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی با استثمار مرگ آور کارگران، از جمله سودآورترین

بخش های تولیدی است. وی از: «افزایش ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ایران تا پایان سال آینده به ۷۰ میلیون تن و به ارزش ۲۷ میلیارد دلار بر اساس قیمت های سال ۱۳۹۰ خبر داد.» مدیر عامل هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس از تشکیل کنسرسیومی با مالکیت بانک سپه (سپاه پاسداران) برای تامین مالی دو میلیارد دو چهارصد میلیون یورویی پالایشگاه گازی بید بلند با پنج بانک بزرگ پرده برداشت. سالی که گذشت، تورم افزایش بیشتری یافت، و کاهش قدرت خرید نزدیک به ۳۰ درصدی

اعضا، هواداران و دوستداران حزب کمونیست ایران
و کومه له! مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه های قابل دسترس تر، فعالیت هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی ای شایسته انسان پیش ببرد!

ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک های مالی خود را به تشکیلات های ما در هر محلی که هستید برسانید.

کمک مالی به
حزب کمونیست ایران
و
کومه له

فرشید شکری

مبارزات متحدانه و نقشه‌مند جهت تأمین امنیت در محیط‌های کار

ارزان نگهداشتن نیروی کار، تسهیل زمینه‌های اخراج و بیکار سازی، قراردادهای بردگی آور، و تحمیل سایر بی حقوقی‌ها، از طرفی در خدمت منافع طبقه ی سرمایه دار ایران، و از سوی دیگر جلب نظر صاحبان سرمایه و کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی به سرمایه گذاری در کشور است.

واقعیت این است که، رویدادها و اتفاقات دلخراش در مراکز کار و تولید ایران، به کمبود و یا نبود افزایش‌آلات ایمنی، و فشار مضاعف

کار که به خستگی و بهم خوردن حواس و تعادل فکری کارگران می‌انجامد، ربط دارد. آنچه محرز است، سود پرستی و حرص و افزون‌طلبی صاحبکار و کارفرمای انگل در هر دو بخش خصوصی

و دولتی، هرگز اجازه نخواهد داد تا محیطی امن برای کارگران تعبیه و آماده شود.

در اساس سرمایه داران هیچگاه خود را مکلف و موظف نمی‌دانند تا بخشی از ارزش اضافه و سودی را که محصول رنج و تلاش کارگران می‌باشد به تأمین ایمنی مراکز کار اختصاص دهند. کارفرمایان با هزار دوز و کلک، و البته با همکاری بی دریغ بازرسان فاسد وزارت کار، از ایمن سازی محیط‌های کار، که هزینه بردار است، دوری می‌جویند. وانگهی، سرمایه‌داران و حکومت اسلامی‌شان از بابت اینکه کارگران یکی بعد از دیگری معلول و از بین بروند، اندک نگرانی و واهمه‌ای ندارند، زیرا با توجه به ارتش میلیونی بیکاران، هرگاه بخواهند کارگران بیکار را بجای آنان با همان شرایط شاق و طاقت فرسا به کار خواهند گمارد.

از این‌روی تا آن‌هنگام که رژیم مستبد و ضد بشری جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری از طریق خیزش و انقلاب کارگری سرنگون نشده است، کارگران ایران بایستی برای بهره‌مند شدن از محیط‌های کار ایمن و بهداشتی، پیکارهای نقشه‌مند، متحدانه و همبسته را درپیش گیرند. آنها با همبستگی طبقاتی، و با اتکاء و پشت بستن به نیروی خود خواهند توانست سرمایه داران و دولت‌شان را به تأمین امنیت در تمامی مراکز کار مجبور سازند. ایمنی محیط کار جزو مطالبات با اهمیت کارگری می‌باشد. تحقق چنین خواست مهمی در گرو کوشش‌های مجدانه به منظور سازماندهی اعتراضات و اعتصابات بدون وقفه توسط پیشروان و فعالین رادیکال جنبش کارگری ایران یعنی کارگران کمونیست است. ■



نفر دیگر، اگر شانس بیاورند و از مرگ رهایی یابند، معلول و از کار افتاده خواهند شد.

قابل ذکر است، تا کنون اعتراضات کارگران این رشته برای پرداخت حق بیمه، و تهیه ابزار و تجهیزات ایمنی، به دلیل پراکنده بودن، ممانعت از متشکل شدن آنان در تشکل‌های مستقل و طبقاتی، و همچنین خارج بودن ایشان از شمول قانون کار ضد کارگری رژیم واپسگرا و انسان ستیز اسلامی، به نتایج دلخواه منتج نشده‌اند.

و اما، همگان واقف‌اند، در محیط‌های کار و تولید کشور سطح استانداردهای ایمنی بسیار نازل است و همواره خطر مرگ، مصدومیت و نقص عضو، و ابتلاء به انواع

امراض مهلک و کشنده، جان و حیات کارگران را تهدید می‌کند. با این وصف صاحب‌منصبان و مسئولین دوائر ذیربط در نهایت رذالت و پستی حوادث در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و دیگر مراکز کار و زحمت را به سهل انگاری و بی احتیاطی کارگران ربط می‌دهند، و نه به فقدان اسباب و ادوات ایمنی، و یا غیر استاندارد بودن محل‌های کار.

بارها و بکرات اداره‌ی کار و دستگاه قضایی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، صاحبکاران و کارفرمایان را به هدف سرزنش نشدن و خلاصی از پرداخت غرامت به خانواده‌های کارگران متوفی و یا مصدوم، از اهمال و کوتاهی در تأمین امنیت در محل‌های کار تبرئه کرده‌اند و در عوض کارگران آسیب دیده را مقصر جلوه داده‌اند! وقتی حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، مراجع قضایی و نهادهای مربوطه در بدایت امر مقصر را مشخص می‌نمایند، که در اکثر مواقع کارگر صدمه دیده بعنوان مقصر معرفی می‌گردد. بررسی‌های بعمل آمده نشان می‌دهند، بیشتر خانواده‌های آن کارگرانی که در اثر حادثه معلول و یا فوت کرده‌اند، از حمایت سازمان تأمین اجتماعی رژیم سرمایه‌داری حاکم برخوردار نشده‌اند. البته گفته می‌شود، چنانچه کارگری بیمه داشته باشد، احتمال دارد بخشی از هزینه‌ی درمان را کارفرما و یا بیمه تقبل کند.

بهررو، قطع نظر از بی تفاوتی و بی‌مبالاتی نسبت به سرنوشت خانواده‌های کارگران کشته شده و از کار افتاده، عدم توجه عاملان‌هی حاکمیت به ناامنی محل‌های کار و تولید همانند استثمار شدید کارگران از طریق افزایش ساعات کار،

برغم پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه‌ی ساخت وسایل و تجهیزات ایمنی، و علی‌رغم وجود تکنیک‌ها و دستاوردهای علمی درخور تأمل جهت مهیا ساختن شرایط ایمن در محیط‌های کار و تولید، لیکن هنوز ایمنی کار در سطح جهان بسی پائین و ناچیز است. این مسئله باعث فزونی و بالا رفتن حوادث کار علی‌الخصوص در ممالک عقب مانده و در حال توسعه شده است.

گذشته از کشته شدن و مرگ انسان‌ها در اثر جنگ، و بیمارهایی از قبیل کروئری قلب، سکتته‌ی مغزی، فشارخون بالا، آنفولانزا و پنومونی، کم‌وزنی، انواع و اقسام سرطان‌ها، ایدز و سایر امراض صعب‌العلاج که آلودگی محیط زیست بوسیله‌ی وجه تولید سرمایه داری نقش عمده‌ای در افزایش این بیماری‌ها دارد، روزانه کارگران زیادی قربانی ناامنی محیط‌های کار می‌شوند. بنا به آمارهای رسمی سازمان بین‌المللی کار (ILO)، سالانه چند میلیون کارگر در دنیا بخاطر حوادث کار، ناقص و یا جان‌شان را از دست می‌دهند.

در ایران تحت حاکمیت رژیم بورژوا-اسلامی هم حوادث و بیماری‌های ناشی از کار پس از تصادفات رانندگی دومین عامل مرگ و میر بشمار می‌آیند. خبرهای دلخراش مرتبط با سوانح کار بطور مداوم پخش و به گوش می‌رسند. خبرها کوتاه و مختصرند. فی‌المثل، کارگری از بلندی سقوط کرد، برق گرفتگی جان کارگری را گرفت، یکی از اعضای بدن کارگری زیر دستگاه پرس رفت، بخاطر ریزش چاه کارگری کشته شد، کارگری در میان ستون‌های چند هزار کیلوئی له شد، کارگرانی در آتش مذاب کوره جزغاله شدند، معدنچیان در زیر خروارها خاک و سنگ مدفون شدند، و غیره. متأسفانه نود درصد قربانیان اینگونه سانحه‌ها زیر پوشش سازمان تأمین اجتماعی نیستند.

بر اساس آخرین تحقیقات صورت گرفته، هر ساله حدود بیست هزار حادثه در حین کار رخ می‌دهد. کارگران ساختمانی بیش از سایر بخش‌های طبقه‌ی کارگر ایران در معرض خطر و آسیب قرار دارند. طبق همین آمار، در بخش ساختمان سازی حول و حوش پانزده هزار حادثه در سال ثبت شده است. آمارهای سازمان تأمین اجتماعی، و مرکز آمار ایران حکایت از آن دارند که، از هر سه کارگر ساختمانی، تنها یک نفر آنان به سن بازنشستگی می‌رسد و دو

رشید رزاقی



فرهنگ فساد هزار ساله روحانیت در توبره جمهوری اسلامی ایران

بود! می بایست پس از صدور فرمان هشت ماده ای خامنه ای در مورد مبارزه با فساد که ۱۵ سال پیش صادر شد، شاهد تکرار و تکامل پروسه فساد نمی بودیم، و اکنون نیز به تکرار وعده سرخرمن ضرورتی احساس نمی شد. در سخنرانی مورد اشاره "مرد علی" برای استحکام بخشیدن به اظهاراتش و پنهان کردن دم خروس، به برخورد با متخلفین و تشدید نظارت و بهبود کیفیت قوانین تکیه کرده، و با زدن به کوچه علی چپ سعی نموده تا عمق فساد در جمهوری اسلامی را سطحی نشان دهد. آنهم در شرایطی که فساد خرخره کشور را گرفته، و شخص اصولگرایی چون توکلی نماینده مجلس آنرا فساد سیستماتیک می نامد. و از سوی دیگر رئیس جمهور اعتدال گرا ضمن تخفیف دامنه آن و محدود کردن فساد به بعد "اقتصاد نظامی"، در پوشش تجمع پول، تفنگ، روزنامه، سایت و خبرگزاری در دست سپاه پاسداران تا حدودی به گسترده فساد اعتراف می کند. اما در دنیای واقع و از آنجائی که اقتصاد و نهادهای مالی در ایران در اختیار حلقه های قدرت و حکومت قرار دارد و فساد نه تنها نهادینه شده، بلکه فراتر از آن به یک فرهنگ خاص مبدل گشته است! کارشناسان اقتصادی مبارزه پلیسی و قضایی با فساد مالی را در ساختار کنونی جمهوری اسلامی بی نتیجه می دانند. بنا به تأثیرات این فرهنگ، هر کس که با روابط و ضوابط اداری و قانونی سروکار دارد و متصدی اموری است، فکر نمی کند که رشوه گیری و اختلاس و دزدی کار غلطی است. زیرا او می بیند که همه، از خامنه ای رهبر، با اقتدار ۱۰۰ میلیارد دلاری بنگاه های اقتصادی اش گرفته تا دربان اداره که در زیر خط فقر می زند، همین طور رفتار می کنند و از او نیز انتظار دارند که وی نیز آن گونه رفتار نماید. به تأسی از این فرهنگ رشوه گیری و زیر میزی در ادارات پیش پا افتاده شده و افراد با نردبان فساد مدارج ترقی را طی می کنند. در چنین شرایط و با چنان فضای فساد آلود، جمهوری اسلامی همچون مابقی عرصه ها، که در بعد بین المللی شاخص گذاری می شود، بویژه در دوران "پاک ترین دولت احمدی نژاد" از طناب سقوط شاخص

مناسبت روز جهانی مبارزه با فساد تأکید کرد: "که دولت جمهوری اسلامی در دو بعد داخلی و خارجی در حال تشدید اقدامات خود و استفاده از همه ظرفیت های موجود در راستای تحقق چشم انداز عاری از فساد است". به گزارش تابناک تبریز آقای "مرد علی" ابراز داشت: برنامه جامع و نقشه راه ارتقاء سلامت اداری، شناسایی و رفع گلوگاه های فساد، افزایش شفافیت و پاسخگویی، بهبود کیفیت قوانین و مقررات و تأکید بر حاکمیت قانون و کنترل فساد در کنار توجه به ابعاد پیشگیری و تشدید نظارت و برخورد با متخلفین، استاندارد سازی و بازنگری فرایندها و همچنین استقرار دولت الکترونیک از اقدامات دولت است. نادیده پیداست که در یک جلسه فرمایشی، شخص سخنران که آزادی عمل کامل داشته باشد تا آسمان ریسمان را بهم بدوزد و از هر چیزی همه چیز به بافت، تازه کسی هم به جلوداری او نایستد تا گوشزد کند که: "جناب دبیر ریز کردن این اقدامات ساده است اما عملیاتی کردن آن، از عهده جمهوری اسلامی خارج!" چون تحقق چنین لیست واقعی، اما رانده شده بر زبان یک مسئول حراف اسلام نهاد متضمن نهاد سازی است و این امر در دراز مدت و به صرف هزینه در ابعاد مختلف، که مستلزم دگرگونی ساختار حاکمیت است، نیاز دارد.

در اینجا باید یادآوری نمود که هزینه فساد زدایی تنها در پیشگیری از هدر رفتن آن صدها میلیارد دلار یا تاراج رفتن منابع دولتی خلاصه نمی شود، بلکه بر مبنای روابط اقتصادی نفوذ پذیر و سوء استفاده از قدرت و نیز کمبود خدمات از قبیل فقدان بیمارستان ها و اخلاق و نزاکت کارکنان آن در "باز نکردن بخیه بیمار مجروح"، تأمین آب قابل شرب، احداث جاده و پل ها و مدارس، آینده خانوارها و محو خط فقر در جامعه و ... برآورد می شود. هر چند هر حکومتی ملزم به عملکرد درست و شفافیت قوانین به نفع مردم است، اما اگر این موضوع در بستر مناسبات تبعیض گرایانه توزیع ثروت و فساد زای سیستم سرمایه داری و نقش گلوبالیزاسیون و جهانی شدن و ایدئولوژی نئولیبرالیسم و عوارض فرهنگ آخوند شیعی و فقه اسلامی قابل جابجایی

روز جهانی مبارزه با فساد که هر ساله در روز ۹ ماه دسامبر بر گزار می شود، امسال با برگزاری جلسات دادگاه بابک زنجانی ملقب به "سلطان نفت ایران" مقارن بود. او به جرم ارتکاب به جرم اختلاس و تصاحب میلیاردها دلار عواید فروش نفت و ثروت عمومی نگاهش را از روی کرسی اتهام به چهره قاضی صلواتی دوخته است تا مزد "لیاقت" و مدال های "کاردانی و کار آفرینی" را که از دولت امام زمان و "پاک ترین دولت تاریخ ایران" به سبب دور زدن تحریم ها به او اعطاء شده بود دریافت نماید. این مرد موبور ویلن زن دیروزی روی تانکرهای دریایی که امروز نواختن ساز دیروزش، امروز به گوش افکار عمومی و مردم مال به تاراج رفته ی ایران می رسد، در مکتب محدثان و راویان روایت های امامان پرورش یافته است که موفق شد در انجام رسالت رکورد جدید بزند. او اصالت مکتبی خویش را به اثبات رساند و ضمن عطیه بخشی به مراجع متشرع و صاحب فتوا و قانون، موفق شد رقم اختلاس و سرقت را از ۱۲۳ میلیارد تومان (خداداد عادل) در عصر صدارت تعدیل اقتصادی رفسنجانی، و چندین هزار میلیارد تومانی مه آفرید خسروی و شهرام جزایری در دوره اصلاحات به ۶۵۰ هزار میلیارد تومان در فرخنده ایام دولت نهم و دهم برساند. اما از دیدگاه شخصی اش بخت وی را یاری نداد! و با بند شدن پایش در کمند اختلافات حلقه های درون قدرت و حکومت، رودست خورد و نتوانست در شبیه سازی رحیمی و نعمت زاده و امثالهم در انطباق با مرسوم نظام: "هر کس جانی تر و در چپاول اموال عمومی زبردست تر و در تملق و چاپلوسی، صلاحیت او مؤید نماینده امام زمان است"، عمامه وفا داری به متولی مسجد جمکران را با تاج مجازی سلطانی اش جایگزین کند.

درست در همین روز که جلسه دادگاه به منظور فهرست گرفتن اسامی شخصیت های پشت پرده و پنهان در صحنه این فساد عظیم مالی توسط قاضی صلواتی غیر علنی اعلام شد تا آیت الله ها و آقازاده های مرتبط با پرونده از خدشه حیثیتی به جایگاه الهییتی و تنازل شان مصون بمانند؛ محسن "مرد علی" دبیر مرجع ملی کنوانسیون مبارزه با فساد در سخنانی به

➔ احساس فساد که نهاد شفافیت بین الملل رتبه بندی می کند ۵۶ پله تنزل نمود و در میان ۱۷۷ کشور رتبه ۱۴۴ را به خود اختصاص داد. پور محمدی وزیر دادگستری چنین ارزیابی هایی را سیاه نمایی و علیرغم کانال های فهم ملموس مردم از گستردگی و عمق فساد، به دستگاه های حکومتی توصیه نمود که در ارسال گزارشات و انعکاس آمار و اطلاعات، به معنای مصطلح جمهوری اسلامی "تجدید نظر" کنند. به نظر می رسد در سال گذشته وارونه گویی و ارائه تصویر نادرست منبعث از توصیه آقای وزیر مؤثر افتاده است و گزارش سال ۲۰۱۴ حاکی از آنست که برای نخستین بار پس از ۱۳ سال سیر صعودی فساد مالی کاهش می یابد و جمهوری اسلامی هم مقام با کشورهای کامرون، نیجریه، قرقیزستان و لبنان از میان ۱۷۴ کشور در ردیف ۱۳۶ جای می گیرد. اگر با نگاهی سطحی گزارش نهاد شفافیت بین الملل را مشاهده کنیم، متوجه می شویم که از ده کشور پائین جدول حداقل هفت کشور دارای حکومت اسلامی هستند یا کشور آنها، مسلمان نشین محسوب می شود. نکته قابل توجه اینست که همه دولتمردان و رهبران مذهبی این کشورها در سطح تبلیغات و شعار، فساد مالی را به عنوان یک پدیده مذموم در نظر می گیرند. اما در عمل خود به مثابه عناصر مخمل تناسب میان صلاحیت و برخورداری ها، که موضوع فعالیت اقتصادی عادلانه و روابط اداری سالم را مخدوش می کند به کانون نشر فساد و نیروی محرکه رفتار تبهکارانه و فرصت طلبانه و بی ضابطه مبدل می شوند. برغم این واقعیت ها، حکومت های فاسد همچون جمهوری اسلامی تلاش در کتمان فساد و کم اهمیت جلوه دادن آن در حد انتساب به عناصر بی اخلاق و منحرف هستند. در ضمن آنها بر صحنه آرائی های آماری پای می فشارند، تا به دریافت های عالمانه از محیط کسب و کار جلوه غیر واقعی بدهند و زمینه را برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی سرعت و شتاب بدهند و به اصطلاح گامی را برای رشد و توسعه پایدار در کشور خود بردارند.

اگر از برجستگی نقش رهبران حکومتی خودکامه و دیکتاتور و عناصر وابسته به سلسله اعصاب و ارکان جمهوری اسلامی بمثابه اجزاء و عاملین فساد بگذریم، منبع و ریشه اصلی فساد ساختاری جمهوری اسلامی و فرهنگ مربوطه را باید در دو زمینه جستجو کرد. اولین آن، ماهیت روابط تولیدی و مناسبات تولید کننده با مالکین ابزار تولید است، که به سرمایه داران و اعضاء ابزار حکومتی این طبقه، سرشت و اکسیر فساد تزریق می کند. دوم نقش دین دولتی است

که تاریخا و همزاد با پیدایش آن، در بازتولید ابعاد گوناگون فساد، توده مردم و زحمتکش جامعه را مورد تحمیق و اجحاف و تمرد قرار داده است. بنیان استثمار گرانه و تبعیض آمیز سرمایه داری پس از ۱۵۰ سال اصطکاک و تقابل با عقلانیت عدالت جو در ذات خود تغییری نکرده، اما با زایش مفاهیم و برجسته شدن پاره ای از خصوصیات در دهه های اخیر، فساد را با کیفیتی ویژه در ابعاد گسترده تری رواج داده است. جهانی شدن اقتصاد و باز شدن بازارهای مالی به روی سرمایه خارجی به حرفه دلالتی و رشوه خواری و فرار مالیاتی و تنزل کیفیت تولید رونق بخشیده است. انقلاب الکترونیکی و انفورماتیک توسعه آگاهی و دانایی را در پی داشته که خود به افزایش بی سابقه نابرابری ها روبرو شده و با درونی شدن اطلاعات در کشورهای پیشرفته صنعتی و گسیختگی تناسب نابرابری با کشورهای درحال توسعه، انگیزه مال اندوزی بی ضابطه و نامشروع را در الیت کشورهای در حال رشد افزایش داده است. برنامه تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی و ایدئولوژی نئولیبرالیستی و ناکارآمدی برنامه های توسعه و سیاست گذاری های کلیشه ای غیر منطبق با شرایط بومی و اقدامات بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، موجب گشته تا ریاضت اقتصادی و فقر و فاقه توده کارگر و زحمتکش را بدنبال آورد. این عوامل به سرمایه داران نوکیسه و آقازاده ها پا داده تا ضمن غارت ثروت همگانی و تصاحب رایگان و کشف راه های انحرافی در تجارت و قاچاق، اقتصاد و تولید را به رکود بکشند و اصل صلاحیت و برخورداری از جایگاه تولیدی را خدشه دار نمایند. در نتیجه با تکیه برآموزه های هر دو دسته، چه اقتصاد دولتی و یا بازار آزاد و عقلانیت ابزاری، فساد مالی در ایران به اوج رسیده و عدم پویایی و توسعه نیافتگی به استمرار خود ادامه می دهد. اگر امروز نیروی محرکه سرمایه گذاری داخلی کاهش یافته و شاهد افول توان جذب سرمایه خارجی هستیم، درآمد دولت مسیر تنزل را می پیماید، سرمایه گذاری عمومی و بهروری از آن کاهش پیدا کرده، سطح خدمات عمومی هرچه بیشتر محدود شده و هزینه زندگی افراد کم درآمد افزایش یافته و رشد اقتصادی متوقف و منفی می شود، همگی اینها در مدار و دورباطل معطوف به فساد قرار گرفته اند که تنها با یک جابجایی اقتصاد سیاسی علاج پذیر خواهد شد.

جمهوری اسلامی رکورد دار فساد در جهان است و این به یمن "حرکت دو ضرب"ی به دست آمده که به ریشه های جوان تر آن در

بالا اشاره شد. اما فساد انگیزی ناشی از دین در جامعه ایران، قدمتی بسیار فراتر از انگیزه های تولید سرمایه داری دارد. در واقع از این دیدگاه باید اذعان نمود که تغییر شکل سرطانی این جامعه چه در بعد اخلاق و سیاست و چه در بعد مالی، امروز آغاز نشده است، دیروز هم آغاز نشده بود. هزار و صد سال است که آغاز شده است و آنچه روی داده فقط می توانست در این جامعه شیعه نشین روی دهد. جانشینی روحانیت به حکومت بزرگترین فساد بود که جامعه ایران را در برگرفت. مسئله مربوط به انجماد تفکر دینی بود که زوال اسلام را اجتناب ناپذیر می نمود. ارزش های مدرن، اسلام را در تنگنا قرار داده بود و فقیان مذهبی بی سواد، ناتوانتر از آن بودند، که ارکان اساسی اسلام یعنی قرآن، تعریف اسلام از خدا، شریعت، ادعای جهانی بودن و جهاد که بلای جان اسلام شده بود باز اندیشی و متناسب با زندگی انسان هزاره سوم تحول و هماهنگی هایی را در آن ایجاد نمایند. زوال فرهنگی که ویژگی خود را در تحول ناپذیری تعریف می کرد به سرایش رسیده بود و مردم شتاب می گرفت. انقلاب ۵۷ ایران فرصت مناسب ایجاد کرد تا روحانیت به کمک کشورهای غربی با دستاویز قرار دادن حربه سیاست و با تکیه بر بذر اوهام و ایهاماتی که راویان احادیث نبوی و امامان در سر زمین تشیع زده در طول هزار ساله گذشته افشاندند بودند محصول چینی کنند. از مشخصات این زوال و افول، امت سازی مجازی بر بنیان "امت مدینه"، تأکید خشونت آمیز بر نمادهای اسلامی (چون حجاب) و تکرار و تأکید بیش از حد بر داشتن ایمان و پیروی از اسلام بود که به قول اسپنگلر نویسنده آلمانی: "کسی که بیش از حد از دین حرف می زند، نشانگر آن است که دیگر دین او از دست رفته است". کما اینکه جمهوری اسلامی پس از ۳۶ حکومت هنوز موفق نشده است دین را به عنوان یک هویت پایدار و معنادار و منبع اصلی هویت کشور به شهروندان خود عرضه کند. در مقابل نه تنها اسلام نیرومند نشده، بلکه جوانان پرورش یافته در ایدئولوژی دینی از مذهب عبور کرده و به ارزش های مدرن در عرصه فرهنگ و هنر و دانش و مملکت داری می اندیشند. جمهوری اسلامی طعم تلخ شکست را در این زمینه چشیده است و اگر توانایی بسیج نیرو دارد، به یقین بسیج کردن به معنای پیروزی نیست. توسل به خشونت دینی برای اسلامی کردن فزاینده عرصه عمومی و پافشاری جنون آمیز بر راه اندازی گروه های منکرات برای رعایت نمادهای اسلامی نشانه قدرت نمایی دینی نیست، تنها واکنش عصبی

➡ به عقب نشینی است که افراط گرایی و اصولگرایی و تندروی آخرین تیر ترکش آن است. در اینجا اسلام بعنوان یک قدرت سیاسی، حتی از آن جوهر و ماده اولیه برای امید واری و تسکین دهی توده ها بری می گردد و بجز خشونت و توحش هیچ پاسخی به حوادث جهان امروز ندارد و از اصلاح گرایان بی عمل نیز که فقط آشنا به ور رفتن با مسائل هستند کاری ساخته نیست. و آنگاه این توحش و خشونت و تندروی شکست بخورد، این شکست به معنای کلید مرگ مذهب به عنوان فرهنگ شیعی است.

سنگ بنای فساد انگیزی مالی مذهب و روحانیت شیعی، پس از سقوط مهدی امام دوازدهم شیعیان در چاه سامره و آغاز غیبت صغری گذاشته شد و با بدیل غیبت کبری، پایه های آن مستحکم گردید. بدین ترتیب ساختار بدعتی پایه گذاری شد که روحانیت شیعه با مراجعه به روایاتی ساختگی، مبتذل و مضحک که نمونه آن در تاریخ هیچ مذهبی نوشته نشده است متجاوز از هزارسال است از توده های شیعی نا آگاه کول کشی می کند و به انواع مختلف به سر و چهره این جماعت شیره می مالند. برای مثال در توصیف مهمترین مسئله حیات بشر، یعنی شناخت از محل زیست و جسم. امام جعفر صادق زمین را استوار بر پشت ماهی، ماهی بر آب، آب بر صخره، و صخره بر خاک نمناکی استوار می داند که در باره خاک نمناک هنوز خبری به او نرسیده است. یا پیغمبر اسلام بدن انسان را متشکل از ده طبقه و ۲۴۸ عمود می داند. کافی در کتاب خود که بیش از ده هزار حدیث را جمع آوری کرده، از قول امام حسن مجتبی از وجود دو شهر در روی زمین نام می برد که حصار آهنین هرکدام صد هزار کیلومتر یعنی دو و نیم برابر محیط زمین، با جمعیتی بالغ بر هفت میلیارد نفر است. که هر یک به هفتاد میلیون زبان صحبت می کنند، که معنی آنرا فقط امام حسن و حسین می دانند. راویان احادیث این گونه دانش و معلومات را مورد رضای خدا و رستگاری انسان معرفی و تأکید می کنند: "علم نافع که مایه نجات می شود: علمی است که از رسول الله و ائمه اطهار به بشر رسیده است و درباره آنچه نرسیده، تفکر خوب نیست". توجه به خصوصیات و مقاصد رأی دهنده و روایت کننده و توجه به اثر گذاری تراواشات ذهنی و فکری آنها بر جامعه در ابتلا به سرگردانی و آشفتگی و بن بست، ضروری است این نکته افزوده شود که امام دوازدهم در آخرین توقیع خویش ضمن اعلام خبر آغاز غیبت بزرگ، به مؤمنان توصیه می کند: "در حوادث به راویان و محدثان

مراجعه کنید که آنان حجت های منند بر شما، چنانچه من حجت خدا بر آنانم". انجام این وظیفه شرعی - یعنی روایت احادیث - متضمن تعیین مقام دنیایی مسئولان و تأمین امورات زندگی آنها از محل وجه شرعی، سهم امام، خمس، ذکات، وجوه بریه، نذورات و اوقاف و ... می شود. مشاهده روایات و بررسی تاریخ و سرگذشت روحانیون والا مقام و آیات عظام نشان می دهد که این اشخاص با برخورداری از جایگاه مذهبی مکان های اقتصادی مهمی را در طی ادوار تاریخی کسب کرده و ضمن نفوذ در دستگاه حکومتی و تحمیل احکام شریعت به روش کشور داری و در پست حاکمیت شرع، خود نیز از اعمال جور و ظلم بر رعیت و کارگر و زحمتکش ابایی نداشته و به بهانه تکفیر و ارتداد و تمرد، بی گناهان را مجازات کرده اند. در بررسی اسناد محرمانه وزارت خارجه انگستان گزارشی از سفیر انگلیس در زمان قاجار بچشم می خورد که همچون آینه فساد روحانیت در این دوره را منعکس می کند. بنا به گزارش سفیر مزبور: "روحانیون هر یک خود در مقام امیر والایی ملت هستند. کسب و تجارت و فلاح آنها خوردن خون و گوشت یک مشیت رعیت بی صاحب و بی پناه است. (آنها) از مال مسلمانان بیچاره به واسطه احکام باطله و تصرف در اموال صغیر و کبیر، در حق عموم ظلم و تعدی می نمایند". یا در خاطرات حاجی سیاح می خوانیم: "بسیاری از ملاها از مردم توقعاتی داشته اند که بر نیامده است و بدون هراس آن بیچاره ها را به تهمت بایی یا بهایی بودن نابود کرده اند". خاطرات ظهیرالدوله نیز حاوی نکته پند آموز و تکان دهنده ای از منفعت جویی و ریا و فریبکاری جماعت آخوند است که به خاطر کام رانی به چه دسایس و حیلی متوسل می شوند، تا آنجا که حتی خود را برتر از پیغمبر و امامان قلمداد می کنند. ظهیرالدوله می نویسد: در اراک اربابی بزرگتر از حاج آقا محسن وجود ندارد. او صد پارچه ملک شش دانگی، غیر از آنچه در آنها شریک و برای تصاحب آنها دندان تیز کرده است، دارد. سه هزار تفنگچی ضمن حراست از املاک و اموال مراقب نا فرمانی رعیت هستند. او هر شب مناجات و گریه و زاری می کند و از خدا می پرسد که من با این همه ثروت می خواهم چه بکنم؟ خدای عادل با زبان بی زبانی به ایشان فرموده است: "تو نمیدانی، من یک دوستی مخصوص با تو دارم که با اجدادت محمد و علی نداشتم. به اینجهت اراده کرده ام که لقمه را از گلوی هزار نفر مظلوم و گدا ببرم و به تو جناب حجه الاسلام حاجی آقا محسن بدهم". محدودیت مقاله مجال نمی دهد

از فروش فتوی به انگیزی ها، احتکار غلات برای ایجاد بازار سیاه و مصنوعی، و قحطی ساختگی به منظور گرانفروشی و صدها ترفند دیگر آخوندها برای غارت و چپاول مردم فقیر و تهی دست اشاره کنم و به این بسنده می کنم که روایتی را از امام جعفر صادق به نقل از حسن میاح ذکر کنم که امام چگونه دکان بدون کالائی را باز می کند تا همین آخوندهای حکومتی و ناحکومی امروزی، از آن به عنوان "مفسدات سهم امام" متمتع شوند. امام جعفر می گوید: "هیچ کاری نزد خدا محبوب تر از رساندن پول به امام نیست". و امروز خزینه پول مورد توصیه امام جعفر در سراپرده ولی فقیه، آشیخ علی روضه خوان مشهدی قرار دارد که تنها ۱۰۰ میلیارد دلار آن در پستو و صندوق خانه ستاد اجرایی فرمان امام در حال زاد و ولد سود و انباشت سرمایه بیتوته کرده است.

با چنان ذخائر و اندوخته روایت های منقول از امامان و محدثان و راویان برای سرکیسه کردن مردم، حال که دولت و لشکر، تفنگ و منبر، چماق و رسانه در "ید بیضا"ی روحانیت قرار دارد که از آن ید بیضا نه "نور معجز موسی"، بلکه مکار اخاذی و تلکه کردن از بغل عبای آنها جسته می شود، ناگفته گویاست که آنها در چه تالاب مهیا و بی خطری تور صیادی را چرخ می دهند. اگر امروز اسامی این صیادان بی مجوز و ناقض ضوابط اجتماعی را که متشکل از روحانیون لمیده در قدرت و مراجع تقلید جلوس کرده در تالار و شاه نشین ها و مدرسان فقهی کنج حوزهای علمیه و ... را ردیف و ثبت کنیم؟ متوجه می شویم در بیختن و غربال گری فساد مالی و اقتصادی ایران سارقانی چون جزایری، خسروی، خاوری، زنجانی و رحیمی و مرتضوی و امثالهم دله دزد و خاشاک روی غربال محسوب می شوند. در حالیکه خامنه ای، آیت الله وحید خراسانی و رفسنجانی، و برادران زمین خوار لاریجانی، برادران قاجاقچی سپاه و آیت الله های سلطان شکر و فولاد و لاستیک و ... در دانه درشت کف غربال! جالب توجه است اگر برای آشنایی به سابقه دزدی ولی فقیه یک یاد آوری کوتاه نسبت به سخنان خمینی در تاریخ ۱۰ بهمن ۶۱ در جمع بازاریان تهران داشته باشیم که وی از اختلاس و ضبط اموال و رشوه گیری خامنه ای دفاع می کند و می گوید: "آقایان می گویند رئیس جمهور خامنه ای اموال این ملت را بیشتر از زمان شاه می چابد، در صورتیکه نمی توان ایشان را با روسای جمهور هیچیک از ممالک مقایسه کرد". ارائه نمونه کوچکی از هزاران مصداق بزرگ حیف و میل اموال عمومی برای رفع خستگی هم شده خالی از عریضه نیست. نعمت

اخراج پناهندگان افغانستانی موقوف

شده و برای سرمایه داران ثروت آفریده اند. توجیه و بهانه رژیم برای اخراج این انسان ها و اتخاذ این سیاست ها، زیانبار بودن حضور افغانستانی ها به لحاظ امنیتی، اجتماعی و حتی بهداشتی و گرفتن کار بیکاران است. این سیاست ضدانسانی و نژادپرستانه جمهوری اسلامی علیه کارگران مهاجر افغانستان در واقع همان سیاستی است که در سراسر جهان از طرف احزاب نژادپرست دست راستی، اتخاذ



کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان طی گزارشی در مورد وضعیت مهاجران افغانستانی بازگشته از ایران، اعلام کرد که رژیم جمهوری اسلامی دست به اخراج اجباری این مهاجران زده است. این گزارش نشان می دهد که در سال ۱۳۹۳ بیش از ۲۱۶ هزار مهاجر افغانستانی بدون دریافت اطلاعات قبلی و به صورت اجباری و با زور و سرکوب نیروهای انتظامی رژیم از ایران اخراج شده اند. برپایه این گزارش در چهار ماه اول سال ۱۳۹۴ حدود ۶۸ هزار تن دیگر از مهاجران به صورت اجباری اخراج شده اند. مهاجران بازگشته از ایران در مصاحبه با این کمسیون، از رفتارهای ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی و استفاده از ابزار بازداشت، مجازات، ضرب و شتم، کار اجباری، توهین و بی حرمتی در برخورد با مهاجران افغانستانی

برده برداشتند. مهاجران افغانستانی بازگشته گفته اند که قبل از اخراج هیچگونه اطلاعی دریافت نکرده اند. ۹۹ درصد مصاحبه شوندگان همچنین گفته اند که مأموران نظامی ایران برای اخراج آنان از زور استفاده کرده اند. بیش از ۹۰ درصد اخراج شدگان پیش از اخراج به بازداشت گاه هایی برده شده اند که وضعیت بدی در آنها حاکم بوده است. انتشار این گزارش در حالی است که روند اخراج پناهندگان افغانستانی همچنان ادامه دارد. مرزبانان رژیم جمهوری اسلامی مهاجرانی را قصد رفتن به ترکیه را دارند دستگیر و به افغانستان باز می گردانند.

اخیرا "حمیدرضا پورابراهیمی"، نماینده کرمان در مجلس شورای اسلامی، می گوید: «باید هزینه اقامت مهاجران افغان را در ایران بالا برد تا آنان این کشور را ترک کنند». پورابراهیمی به "ایسنا" گفته است اتباع افغانستان "از لحاظ مباحث امنیتی نیز تبدیل به یکی از معضلات کشور شده اند".

تداوم اخراج مهاجران افغانستانی و تشدید این فشارها و برخوردهای نژادپرستانه به آنان در حالی صورت می گیرند که اکثریت آنان کارگرانی هستند که سالیان طولانی تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در این کشور کار کرده، زحمت کشیده و همدوش دیگر هم طبقه ای های خود در ایران استثمار

➔ زاده وزیر صنایع و معادن فعلی در زمان وزارت قبلی اش در همین پست فعلی، کارخانه لاستیک سازی دنا را با ارزش گذاری ۶۰۰ میلیارد تومان که کمتر از ارزش واقعی اش بود به رایگان به آقای آیت الله محمد یزدی اهداء کرد، که حالا هم یزدی حاضر نیست مالیات بر ارزش افزوده آنرا به دولت کم درآمد و با کسری بودجه هنگفت پرداخت نماید. وضعیت کارگزارانش نیاز به توضیح ندارد، و هر خواننده روزنامه می داند که چند و چندین بار برای حقوق معوقه تجمع و اعتراض کرده اند و چگونه چند و چندین بار با سبعت بسیار سرکوب و خفه شدند. آقازاده ها جای خود دارند که ماشاء الله ماشاء الله از آنقدرها حرص و ولع میلیارد شدن برخوردارند که آهن قراضه دکل حفاری گلوبال پرل را هضم می کنند، و اما سیر پشو نیستند. در زمان مدیریت عاملی دو تن از آیت الله زاده، مهدی هاشمی و علی طاهری در شرکت تأسیسات دریایی دو دکل حفاری نفت به بها ی ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیون دلار خریداری شد که یکی را تحویل نگرفته مفقود! و دیگری در بند شارجه در حال فرسوده شدن و تبدیل به آهن قراضه است. نقش دلالی پروژه های نفتی و از جمله از ماجرای کرسنت و ماجرای زمین خواری گردنه حیران و زمین های ورامین توسط آیت الله صادق لاریجانی، ایجاد اسکله و باند فرودگاه و تجارت انحصاری سپاه و... نمونه ها آنقدر زیادند که هم ردیف کردن آنها طاقت فرساست و هم مطالعه آنها. آنچه در این میان بدیهی و آشکار است، آنست که ملت ایران اسیر حاکمان و دولتمردانی دزد و فاسد هستند. آنها بنا به سوابق تاریخی طبقاتی - دینی، و جایگاه مذهبی شان، فرهنگ فساد را در این کشور رواج داده اند. مردم ایران بویژه طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه که قربانی و متضرر چنین وضعیتی هستند و سرنوشت و آینده جامعه را از آن خود و فرزندان شان می دانند بنا به وظیفه طبقاتی و حکم تاریخی نیازمند مبارزه با فرهنگ صادراتی سامراوی بهر شکل ممکن هستند. بوته این فرهنگ فساد که بوسیله این گروه ضد مردم آبیاری و مراقبت می شود، جز با سرنگونی جمهوری اسلامی ریشه کن، و جامعه از فساد مزه نمی گردد. کارگران مبارزی که در تشکل های صنفی و سیاسی خود متشکل شده و تحت رهبریت حزب کمونیست مبارزه متحد و سراسری خود را پیش می برند موفق به سرنگونی رژیم هار و خودکامه خواهند شد. در غیر این صورت دروازه فساد گشوده و لنگه آن به بهای فقر بیشتر و محرومیت فزاینده تر کارگران بر همین پاشنه خواهد چرخید.

می شود. این جریان ها برای منحرف کردن افکار عمومی از شناخت ریشه های بحران جامعه سرمایه داری، حضور خارجی ها را به عنوان عامل بیکاری معرفی می کنند. هدف رژیم جمهوری اسلامی هم از اعمال فشار بر کارگران و پناهجویان افغانستانی دقیقا در خدمت این امر است که با قربانی کردن این مردم محروم و پناهجو، خشم توده های مردم بیکار و تهیدست جامعه را از مسببین اصلی بحران و بیکاری منحرف کرده و مردم محروم مهاجر افغانستانی را عامل بیکاری و دردهای اجتماعی معرفی کند. فشار کنونی بر مهاجران افغانستانی بخشی از سیاست تشدید فشار بر مردم و ایجاد رعب و وحشت در جامعه بعد از توافقات هسته ای است.

رفتار رژیم جمهوری اسلامی و مردم ناآگاهی که تحت تاثیر تبلیغات شوونیستی آن هستند با افغانستانی های ساکن ایران کاملا غیر انسانی است. به عبارت بهتر وضعیتی که شهروندان افغانستانی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی با آن روبرو هستند، بدون شک در ردیف رفتار جریان های فاشیست خارجی ستیز در جهان قرار دارد. تعقیب و بگیر و ببند، ندادن دستمزد به کارگران، به کار گرفتن بی رحمانه کودکان افغانستانی در کارهای سخت و خطرناک، محرومیت آنان و از تحصیل و محروم کردن آنان و

عباس سماکار

دنیای تلخ



➡ زنان باردار از خدمات بهداشتی و اذیت و آزار و توهین و بی حرمتی روزانه تنها بخشی از مصائبی است که رژیم جمهوری اسلامی و افکار پوسیده شوونیستی، علیه کارگران و مردم زحمتکش افغانستانی روا داشته و می دارند.

سیاست پناهنده ستیزی رژیم جمهوری اسلامی کار را به جایی رسانده اند که در بعضی از استان های کشور خرید از نانوایی ها، سوپرمارکت ها و مراکز فروش مواد غذایی به شهروندان به اصطلاح غیر قانونی افغانستانی را ممنوع کرده اند. آنان حتی از مغازه داران و مردم عادی خواسته اند از افغانستانی ها کارت اقامت درخواست کنند، علیه شان جاسوسی کنند و آنان را به پلیس معرفی نمایند.

واقعیت این است که با هر معیار و شاخصی، کارگران مهاجر افغانستانی بخشی از جمعیت کارگری ایران هستند و باید شهروند این جامعه به حساب آیند و نه تنها نباید با هیچ توجیهی حق و حقوق شان را زیر پا نهاد، بلکه باید از کلیه حقوق شهروندی نیز برخوردار باشند. کارگران مهاجر افغانستانی بخشی دیگر از نیروی کار ارزانی هستند که کارفرمایان و سرمایه داران در ایران برای کسب سودهای بیشتر آنان را به شدت استثمار می کنند. سرمایه داران و صاحبان کار با بهره گرفتن از افکار پوسیده شوونیستی و با اتکا به فضای خوف و وحشتی که دستگاه های سرکوب دولتی به ویژه در میان این بخش از کارگران ایجاد کرده اند، آنان را بدون توجه به حقوق ابتدائی و کرامت انسانی به وحشیانه ترین شیوه استثمار می کنند. کارگران مهاجر افغانستانی بخشی از طبقه کارگر ایران به حساب می آیند و باید از تمام حقوق انسانی و شهروندی برخوردار باشند. تشویق و جلب این بخش از زنان و مردان کارگر به پیشبرد مبارزه متحدانه در همبستگی با دیگر هم طبقه ای های خود در جهت تأمین کامل حقوق و مطالبات آنان بخش جدائی ناپذیری از وظایف فعالین سوسیالیست جنبش کارگری است.



خیال اون کسائی
که می بُرند و می دوزند و می دزدند
و غارت کارشونه در تموم سال
خیال عاقبت اندیش این نامردهای وحشت و بی داد
تخت نیست
تلخه
تلخ تلخ
تلخ تر از زهر بی خیالی هاس

چرا
معلومه می ترسن

خیال روزهائی رو دارن پیش چشماشون
که دوران به هم غلطیدن اوضاع س

ولی حالا
ولی این لحظه بی داد توفانی
نمی دونی چقد تلخم

نگاهم کن
کاری کن که این تلخی کمی کم شه
نگاهم کن

بین دنیام چقد تلخه
با این حال می جنگم

....

دنیای تلخ
تو می دونی که دنیا بی قراره دل
تو می دونی که
این شب پر از گریه س
پر از خشمه
پر از فریادهای عاصی درده

کسی انگار نداره کار با زجر اونائی که
کساشون غرقه فقرن
اسیر و غرقه ذلت
اسیر و غرقه خونن

شکنجه یه روال عادیه اینجا
تو زندون
توی کوچه
تو مدرسه
تو کارخونه
هراون جائی که
دل ها بی قراره دل
کسی راحت نمی ذاره شبا سر
سر داغون
روی بالش

ولی دنیا نمی مونه همین جوری
شب و روز اونائی هم که اهل ظلم
اهل بی دادن
توی وحشت ازین وضعه
که خشم مردم عاصی
بریزه این بساط ظلم و بی داد و توی آشغال



نماینده گی کومه له در خارج کشور

کمیته خارج کشور

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

آدرس های
حزب کمونیست
ایران و کومه له

K.K. P.O.Box75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981
representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

دوشنبه و جمعه از ساعت 19 تا 22 به وقت اروپا

0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
cpi@cpiran.org

مقاومت مردم کردستان در برابر فاشیسم دولت ترکیه

مرکز عملیات نظامی خود تبدیل کرده است. دولت ترکیه هر چند به بهانه مقابله با نیروهای "پ.ک.ک" این تهاجم گسترده را سازمان داده است اما در حقیقت مرکز قدرت جنبش توده ای در کردستان ترکیه یعنی شهرها را هدف اصلی خود قرار داده است. دولت ترکیه طی سالهای اخیر به تجربه دریافته است که نیروی محرکه اصلی جنبش عادلانه مردم کردستان نه در کوهستان های "قندیل" بلکه در قلب شهرهای کردستان جای گرفته است. دولت با تهاجم نظامی و با محاصره شهرها و آتش باران خانه های مردم و اعمال حکومت نظامی در این

مقاومت کرده اند. مردم شهر سور در طی دو، سه هفته اخیر و در جریان محاصره نظامی این شهر استقامتی تاریخی از خود نشان داده اند، در جریان این مقاومت بیش از ده نفر زخمی و یا جان خود را از دست داده اند که به دلیل منع رفت و آمد انتقال آنان به بیمارستان امکان پذیر نبوده است. مردم دیاربکر در روز چهارشنبه هفته گذشته نیز به نشانه همبستگی و حمایت از مقاومت قهرمانانه شهر سور به طرف این شهر دست به راهپیمایی زدند. با این وصف آنچه امروز در کردستان ترکیه جریان دارد، یک جنگ تمام عیار است که



توهم گرفتار آمده است که بلکه بتواند میدان اصلی قدرت نمایی این نیروی عظیم توده ای را نیست و نابود کند. دولت ترکیه در فاصله بین دو انتخابات ۷ ژوئن و ۱ نوامبر، با تشدید فضای سرکوب و بگیری و بنید انسانهای آزادیخواه در سراسر ترکیه و تروریزه کردن فضای جامعه، با تشدید میلیتاریسم در کردستان و بمباران پایگاههای پ.ک.ک. در خاک کردستان عراق و سرانجام با محاصره شهر جزیره و چند شهر دیگر و به گلوله بستن مردم این شهرها تلاش کرد تا با تحمیل یک شرایط کاملاً نابرابر در کارزار انتخاباتی اول نوامبر، مانع ورود حزب دموکراتیک خلق ها به پارلمان این کشور شود. اما دولت آک پارتی علی رغم تمام این تلاش ها در دستیابی به اهداف خود شکست خورد. دولت اردوغان نتوانست مانع ورود حزب دموکراتیک خلق ها به پارلمان شود و این رویداد سیاسی از نظر افکار عمومی در داخل ترکیه و در

از جانب دولت فاشیست ترکیه و با حمایت تلویحی آمریکا و دولت های اروپایی و متحدین منطقه ای آن به مردم شهرهای کردستان تحمیل شده است. دولت "آک پارتی" برای پیشبرد این جنگ دهها هزار نفر نیروی ارتش و پلیس و چندین ستون زره ای و هلی کوپترهای جنگی را به مناطق کردستان اعزام کرده است. در جریان تهاجم ارتش طی چند ماه گذشته تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار نفر آواره شده اند. تهاجم گسترده به شهرهای کردستان و آتش باران مناطق مسکونی و ویران کردن منازل مردم یادآور جنایت های ارتش فاشیست دولت ترکیه در سالهای دهه نود است که در جریان آن ۴ هزار روستای کردستان خالی از سکنه شده، بیش از یک و نیم میلیون از خانه های مردم طعمه شعله های آتش شدند، ۴ میلیون نفر از مردم کردستان وادار به کوچ اجباری گردیدند و هزاران تن از مردم دستگیر شده و یا جان خود را از دست دادند. دولت فاشیست ترکیه این بار شهرهای کردستان را به

تهاجم گسترده ارتش ترکیه به شهرهای کردستان همچنان ادامه دارد. نیروهای ارتش ترکیه در تازه ترین عملیات خود شهرهای "سلوی و جزیره" از استان "شرناخ" را از هر سو مورد یورش قرار داده اند. هزاران نفر از نیروهای سرکوبگر ارتش و پلیس دولت ترکیه در چند روز اخیر با استفاده از تانک و توپ و خودروهای زره ای به چندین محله از شهرستان سلوی یورش برده و در بخش هایی از شهر مستقر شده و بیمارستان این شهر را به پایگاه نظامی خود تبدیل کرده اند. نیروهای ارتش محلات مختلف شهر را توپ باران کرده که در نتیجه آن چند تن زخمی و یا جان خود را از دست داده اند. بنا به گزارش ها حدود یکصد نفر از شهروندان سلوی در زیر زمین یکی از ساختمان ها در محاصره نیروهای دشمن گرفتار آمده اند. همزمان در طی این چند روز شهر جزیره نیز از زمین و هوا مورد حمله قرار گرفته است. نیروهای اشغالگر ارتش با محاصره این شهر و اجرای حکومت نظامی و منع رفت و آمد و قطع خطوط آب و برق و تلفن و آتش باران محلات مختلف شهر تلاش کردند که مردم را مرعوب کنند، اما گزارش شاهدان عینی بیانگر آن است که مردم با سنگربندی در محلات مسکونی به دفاع از شهر در مقابل یورش نظامیان و نیروهای امنیتی پرداخته اند. به دنبال عملیات پی در پی نیروهای ارتش ترکیه در شهرهای سلوی و جزیره، هزاران نفر از مردم مبارز "دیاربکر" در روز جمعه به خیابان ها آمدند و در اعتراض به حملات نظامی ارتش و نیروهای امنیتی دست به تظاهرات زدند. نیروهای امنیتی با تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور با مردم درگیر شدند. همچنین در جریان تهاجم نظامی به شهرستان های "کربوران و نصیبین" از توابع استان ماردین در طی چند شبانه روز گذشته نیروهای امنیتی و ارتش ترکیه با استقرار در بلندی های مشرف بر این مناطق و با گلوله باران این شهرها امنیت مردم را بر هم زده اند. در جریان این تیراندازی ها یک نفر جان خود را از دست داده و تعدادی زخمی شده اند. لازم به یادآوری است که در شهرهای کربوران و نصیبین حکومت نظامی و قانون منع رفت و آمد برای چندمین بار در طی دو ماه گذشته تمدید شده است.

از سوی دیگر علی رغم حملات توپ و تانک ارتش ترکیه به شهر "سور" از توابع استان دیاربکر، مردم این شهر در برابر یورش ارتش

جهان امروز

نشریه سیاسی
حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

سرمدیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هئیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق
پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس
خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

* جهان امروز تنها مطالبی که
صرفاً برای این نشریه ارسال
شده باشد را چاپ می‌کند.
* استفاده از مطالب جهان
امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
* مسئولیت مطالب جهان-
نشریه است.

* جهان امروز در ویرایش و
کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد
است. این امر قبل از چاپ به
اطلاع نویسنده می‌رسد.

* مطالب جهان امروز با برنامه
"ورد فارسی" تایپ می‌شود و
حداکثر سقف مطالب ارسالی
سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲
است.

نفوذ تبدیل شده است، به تجزیه احتمالی عراق و تصرف "موصل" چشم دوخته است. دولت ترکیه که زمانی به داعش کمک کرد تا موصل را تصرف کند، اکنون که دولت خلافت اسلامی از هر طرف مورد حمله ائتلاف نیروهای بین‌المللی و منطقه‌ای قرار گرفته است در تلاش است که با آموزش و تجهیز نیرویی مرکب از ترکمن‌های عراق و اعراب سنی در بازپس‌گیری موصل از داعش در راستای اهداف درازمدت تر نقش ایفا نماید. سیاست دولت آک پارتی و اردوغان در کردستان عراق ادامه منطقی تهاجم خونین به شهرهای کردستان ترکیه و محاصره و سرکوب مقاومت مردم این شهرها و توطئه‌های پی در پی علیه تجربه حکومت خودمدریتی در کردستان سوریه است. دولت ترکیه که از هیچ تلاشی برای به شکست کشاندن جنبش عادلانه مردم کردستان ترکیه و برای در هم کوبیدن تجربه کردستان سوریه دریغ نمی‌کند، نمی‌تواند دوست و غمخوار مردم کردستان عراق باشد. دولت ترکیه از برقراری روابط و مناسبات حسنه با حزب دمکرات کردستان عراق و توهم پراکنی در میانه لایه‌های ناآگاه مردم منطقه در مورد این مناسبات، در جهت تضعیف جنبش مردم کردستان ترکیه بهره‌برداری می‌کند. مردم کردستان عراق نباید فریب این دغل‌کاری‌های دولت ترکیه و توهم پراکنی‌های احزاب سیاسی حاکم در کردستان عراق را بخورند.

همانطور که مردم مبارز و آزاده شهرهای کردستان ترکیه با مقاومت قهرمانانه خود نشان داده‌اند که مرعوب سیاست‌های فاشیستی و میلیتاریستی دولت ترکیه نمی‌شوند، مردم کردستان عراق هم باید با حضور خود در صحنه مبارزه، اعتراض خود را علیه سیاست‌های توسعه طلبانه دولت ترکیه بر ضد منافع مردم کردستان عراق اعلام دارند و بر همبستگی و حمایت خود از جنبش عادلانه مردم کردستان ترکیه و سوریه تأکید نمایند. دولت اردوغان با این سیاست‌ها نه تنها نمی‌تواند زخم سنگین ناکامی‌های اقتصادی، سیاسی و شکست استراتژی منطقه‌ای خود را مرحم بگذارد بلکه آن را عمیق‌تر خواهد کرد.



سطح منطقه یک پیروزی برای جنبش عادلانه مردم کردستان در مبارزه با دولت ترکیه به حساب می‌آید. دولت فاشیست آک پارتی که نمی‌خواهد این شکست را تحمل کند و به پیامدهای آن گردن نهد، دیوانه وار به مردم کردستان حمله ور شده است.

دولت آک پارتی همزمان با تداوم تهاجم گسترده نظامی به شهرهای کردستان ترکیه از هیچ تلاشی برای مقابله با جنبش مردم کردستان سوریه و به شکست کشاندن تجربه حکومت خودمدریتی توده‌های مردم در این منطقه و ضربه زدن به منافع مردم کردستان عراق کوتاهی نکرده است. دولت ترکیه از زمانی که به آمریکا و نیروهای ناتو اجازه داد که از پایگاه هوایی انجریک در خاک این کشور برای عملیات در سوریه و عراق استفاده کنند، در تلاش بود که با ایجاد منطقه حائل در خاک سوریه و حضور نظامی در این منطقه مانع به هم پیوستن کانتون‌های سه‌گانه در کردستان سوریه و تثبیت حکومت خودمدریتی مردم در این منطقه شود. دولت ترکیه بعد از آنکه موفق به ایجاد منطقه حائل نشد این بار سعی کرد با حضور نظامی و اقدامات جنگ افروزان در شهر "جرابلس" سوریه از به هم پیوستن کانتون کوبانی به "عفرین" جلوگیری نماید.

از طرف دیگر دولت ترکیه با گسیل نیروی نظامی به کردستان عراق به بهانه تعویض نیرو علاوه بر اهداف توسعه طلبانه می‌خواهد این منطقه را به محل تشدید رقابت‌های خود با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تبدیل نماید. دولت ترکیه اگرچه تحت فشار مخالفت‌های گسترده مدعی است که نیروهایش را از منطقه خارج کرده است، اما خروج این نیروها حقیقت ندارد. دولت ترکیه بیش از ۱۲۰۰ نفر از نیروهای ارتش و یک ستون زرهی همراه با بیش از ۴۰ کامیون حمل و نقل مهمات را در ۲۵ کیلومتری شهر موصل مستقر کرده است، اینها علاوه بر نیرویی است که از مدت‌ها پیش در اطراف "اربیل" مستقر شده‌اند. دولت ترکیه در اوضاع بحرانی خاورمیانه و در حالی که سوریه به یکی از کانون‌های اصلی این بحران و به محل رقابت قدرت‌های سرمایه‌داری جهانی و منطقه‌ای برای تجدید تقسیم منطقه تحت

از سایت‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له دیدن کنید!

سایت حزب کمونیست ایران سایت کومه‌له سایت تلویزیون کومه‌له

www.tvkomala.com

www.komalah.org

www.cpiran.org



تماس با
کمیته تشکیلات داخل کشور
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات
داخل کومه‌له (فکس)

takesh.komalah@gmail.com



کنفرانس جهانی تغییرات اقلیمی پاریس، تلاشی بی سرانجام

بگذارند. او مشخص نکرد که اگر قرار بود اقدامات داوطلبانه باشد پس این همه جلسه و جار و جنجال تبلیغاتی برای چه بود؟

البته ادعا شد که در سند اقدام مشخص پیش بینی شده است. به گفته فابیوس قرار است تا سال ۲۰۲۰ هر سال یکصد میلیارد دلار برای مبارزه با گرمایش زمین جمع آوری شده و در اختیار کشورها قرار گیرد. گویا به کشورهای آفریقایی و ۲۰ نماینده جزایری که در خطر غرق شدن در آب آقیانوس ها و دریاهای در حال بالا آمدن هستند تعهد داده شده که بخشی از پول جمع آوری شده به آنها داده شود. گرچه وزیر خارجه فرانسه جمع آوری پول را به لحاظ حقوقی لازم الاجرا دانست، اما نگفت چه دولت هایی قرار است این پول را تامین کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که به قول "ابتکار"، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، هشتمین تولید کننده گازهای گلخانه ای در جهان می باشد نتوانست در نمایش های کنفرانس خودی بنمایاند. رژیم، که نقشی بسیار مخرب در ویران کردن محیط زیست ایران دارد، نتوانست حتی برای حفظ ظاهر هم که شده حرف و حدیثی برای ارائه در مقابل دوربین های تلویزیونی داشته باشد. به همین جهت رسانه ها، جمهوری اسلامی را به عنوان کشوری منفعل در کنفرانس تصویر کردند.

حالا باید پرسید در ورای این جار و جنجال های تبلیغاتی دستاورد کنفرانس چه بود؟ به قول یکی از نشریات چپ می توان دستاورد کنفرانس پاریس را چنین توصیف کرد: «عمل پزشکی موفق بود، ولی مریض مرد». البته کنفرانس مذکور به دولت فرانسه فرصت داد که اعتبار لطمه خورده اش در تأمین امنیت شهروندانش را در سایه هیبت ظاهری کنفرانس تا حدودی ترمیم کند.

"اوباما"، رئیس جمهور آمریکا و نمایندگانش با اینکه توافقنامه پاریس را دستاورد همه کشورها و نشانه یگانگی آنها شمردند، اما کشورهای چین و هند را عاملان اصلی گرم کردن کره زمین جلوه داد. "بان کی مون" ادعا کرد که "بازارها" اکنون می توانند نیروهای خلاقه

کنفرانس جهانی تغییرات آب و هوایی پاریس که در ۳۰ نوامبر، برابر با ۹ آذر، شروع شده بود، روز شنبه ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵، برابر با ۲۱ آذر ۹۴، خاتمه یافت. "لوران فابیوس" وزیر خارجه فرانسه در حالیکه اشک شادی در چشمانش می درخشید و در میان کف زدن های ممتد نمایندگان دولت های سرمایه داری غرب اعلام کرد که سران و نمایندگان ۱۹۶ دولت به اتفاق آراء توافقنامه ای را امضا کردند که تاریخی است. بر اساس این توافقنامه همه دولت های شرکت کننده اخلاقا متعهد شدند با تلاش در جهت جای گزینی سوخت های غیر فسیلی به جای نفت و گاز و زغال سنگ، گازهای گلخانه ای را به میزانی کم کنند که گرمایش زمین بیشتر از دو درجه و حتی یک و نیم درجه سانتیگراد بالا نرود.

سران دولت های سرمایه داری توسعه یافته بدون سپردن هیچ تعهد مشخصی توافقنامه پاریس را دستاوردی برای شهروندان کنونی و نسل های آینده شمردند و رسانه ها حرف های پرطمطراق آنها را در بوق کردند. آنها تلاش نمودند تا کنفرانس پاریس را به صورت گردهمایی وحدت بین کشورها و سرمایه دارانی در غرب و شرق جلوه دهند که در همانحال درگیر رقابت های اقتصادی و جنگ های خونین هستند.

واقعیت اینست در دوازده روزی که سران و نمایندگان در پاریس گرد آمده بودند بیشتر به حل مشکلات در هم تنیده اقتصادی، سیاسی و جنگی اشتغال داشتند و کنفرانس آب و هوایی پوششی برای آن بود. به قول یکی از کارشناسان نمایندگان به جای یک سند حقوقی لازم الاجرا یک توافقنامه سرشار از سخنان توخالی و فاقد پشتوانه اجرایی را در یک سند ۳۱ صفحه ای تحویل دنیا دادند. در این سند هیچ دولت و یا هیچکدام از مجتمع های صنعت نفت و گاز، که از مسئولان اصلی گرم شدن کره زمین می باشند، به انجام هیچ اقدام مشخصی متعهد نگشتند. در سند اقداماتی داوطلبانه برای دولتها مشخص گردید و گزارش این اقدامات نیز توسط همان دولتها به سازمان ملل ارجاع خواهد شد. نماینده اصلی محیط زیست آمریکا در کنفرانس از داوطلبانه بودن اقدامات دفاع کرد و گفت که ضرورت حفاظت از زمین کشورها را ناچار خواهد کرد تا اقدامات مشخصی را در دستور

انسانها را شکوفا کنند. اما همین بازار ها، که مداوما به دنبال کسب سود به هر طریق می باشند مانع بزرگی بر سر راه شکوفایی نبوغ میلیون ها انسان هستند. تا زمانی که معدودی میلیارد در دولت هایشان بر مقدرات انسان ها حاکمند و برای حفظ تسلط بر طبقه کارگر و استثمار آن و سوءاستفاده از منابع طبیعی به هر توطئه، جنگ و جنایتی دست می زنند. استعدادها و خلاقیت انسانها شکوفا نمی شوند. کنفرانس جهانی تغییرات آب و هوایی پاریس و نمایشات مضحک سیاستمداران در موفق جلوه دادن آن، تاییدی دوباره بر این واقعیت بود که سرمایه داری نظامی پوسیده و رفتنی است. همین امر سبب شده تا سران و نمایندگان در این کنفرانس به صورت بازیگران یک نمایش کمدی درآیند که در اصل یک تراژدی است. بقای انسان فقط با مواد سالمی تضمین خواهد شد که از طریق کار بر روی زمین و محیط زیست، بدست خواهد آمد. اما این محیط اکنون به مخاطره افتاده است. به اعتراف خود مولتی ملیونها و دولت هایشان این خطر چنان حاد شده که خود آنها نیز احساس آسایش نمی کنند. اما آنها اسیر سیستمی پر تناقض هستند که بر کسب سود هر چه بیشتر، رقابت بی امان و جنگ و ویرانی و تخریب بیشتر محیط زیست متکی است.

مصائب ناشی از تخریب محیط زیست قبل از هر قشر و طبقه ای، دامن طبقه کارگر و مردم محروم را می گیرد. به همین جهت آنها باید در صف مقدم مبارزه برای حفظ محیط زیست باشند. نباید گذاشت نظام سرمایه داری بی توجه به نیاز انسانها و در خدمت حرص سود اندوزی صاحبان سرمایه زمین و محیط های طبیعی را بی ریخت و ویران کرده و جامعه بشری را در مقابل فجایع ناشی از آن رها کنند. مبارزه پیگیر در این عرصه سرانجام باید با به زیر کشیدن نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم، یعنی نظامی منتهی شود که هدف آن تولید برای رفع نیازهای انسان و یگانگی با طبیعت است.



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

به رغم سرکوبگری ها و تلاش دولت روحانی و هواخواهان آن برای به رکود کشاندن این مبارزات، ادامه دارد و زمینه را برای ایفای نقش فعالین سوسیالیست جنبش کارگری فراهم آورده است، نیاز به فراتر رفتن مبارزات دانشجویی از خواستها و مطالبات صنفی به یک ضرورت سیاسی تبدیل شده است.

اعتراضات دانشجویی در حال حاضر اساسا حول مطالبات صنفی متمرکز است در حالی که ایفای نقش پیشرو جنبش دانشجویی در جامعه اختناق زده ای مانند ایران در گرو آن است که مطالبات دمکراتیک موجود در سطح جامعه را به پیگیرترین شکل معرفی و مورد حمایت قرار دهد. در اوضاع کنونی در هم شکستن فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه ها، مقابله با سیاست تفکیک جنسیتی، به عقب راندن سیاست اسلامی کردن دانشگاهها و ممانعت از خصوصی سازی نهادهای دانشگاهی از مسیر فرا رفتن از خواسته های صنفی و مبارزه برای تحقق خواسته های دمکراتیک می گذرد. آن مطالبات دمکراتیک که ریشه عمیقی در جامعه ایران دارند همان خواسته هایی هستند که از جانب جنبش های پیشرو اجتماعی مانند جنبش کارگری، زنان و جنبش انقلابی کردستان به مناسبت های مختلف طرح شده و در عمل مبارزاتی پیگیری می شوند. خواسته هایی از قبیل آزادی بیان، آزادی برپایی تشکل، جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش، پایان دادن به سیاست آپارتاید جنسی، خاتمه دادن به ستمگری ملی و دیگر مطالبات دمکراتیک در سطح جامعه باید بر پرچم اعتراضات و مبارزات دانشجویی حک گردد. فعالین کمونیست جنبش دانشجویی با تلاش برای طرح و پیگیری همین مطالبات است که می توانند با فعالین رادیکال جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی پیوند برقرار کنند.

گرایش سوسیالیستی در جنبش دانشجویی ریشه در بیش از ۶۰ سال حضور معنوی، سیاسی و سازمانگرانه کمونیست ها در این جنبش دارد. این حرکت با توجه به پیشینه و نقش و جایگاهی که در نقطه عطف های تاریخی در ایران داشته است می تواند خواسته های خود را با مطالباتی که ریشه در اعماق جامعه و مبارزه کارگران، زنان و اکثریت محرومان جامعه دارد هماهنگ سازد. در حالیکه فعالان و هواداران اصلاح طلبان حکومتی در کشمکش با نهادهای وابسته به اصول گرایان در تلاش هستند که جنبش دانشجویی را به دام دنباله روی از دولت روحانی بیندازند و خواسته ها و مبارزات آنان را در چهار چوب تنگ قوانین اسلامی محصور دارند، گرایش کمونیستی می تواند با تکیه بر سنت های پیشرو و انقلابی پرچمدار جنبش دانشجویی گردد. برای فعالین رادیکال و سوسیالیست جنبش دانشجویی ۱۶ آذر امسال می تواند پژواک عزم راسخ آنان برای برافراشتن بیرق آزادیخواهی و برابری طبی در دانشگاه و در جامعه باشد.

گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

در شرایطی در آستانه ۱۶ آذر روز دانشجو قرار گرفته ایم، که حدود دو سال و نیم از زمان روی کار آمدن دولت تدبیر و امید حسن روحانی می گذرد. دولت اعتدال وعده داده بود که با بهبود مناسبات با غرب وضعیت معیشت کارگران را بهبود ببخشد. اما اکنون کم کم روشن شده است که بعد از توافقات هسته ای و با پایان تحریم های اقتصادی نیز بهبودی واقعی در سطح زندگی و معیشت کارگران و اقشار فرودست جامعه ایجاد نمی شود. در ایران چنان دره عمیقی سطح دستمزد کارگران و حقوق معلمان و کارمندان جز را از هزینه تأمین یک زندگی انسانی و حتی از خط فقر جدا می کند که رفع تحریم ها نیز بهبودی در این وضعیت فاجعه بار ایجاد نمی کند.

مطابق الگوی توسعه مورد نظر دولت روحانی قرار بود در نتیجه گسترش خصوصی سازی ها و جذب سرمایه های خارجی و تولید برای صادرات و رقابت در بازارهای بین المللی موجبات رونق و توسعه اقتصادی فراهم گردد. اما با توجه به این واقعیت که اکنون بیش از ۵۰ درصد از کارخانه ها و مراکز صنعتی ایران به دلیل کهنه بودن و فرسودگی ماشین آلات تعطیل و یا پایین تر از ظرفیت خود تولید می کنند، طراحان این سیاست با فرض رفع موانع سیاسی و ایدئولوژیک هم، به دلیل محدودیت های فنی و تکنولوژیک و ضعف زیر ساخت های اقتصادی نمی توانند با تکیه بر تولید و صدور کالاهای صنعتی و رقابت در بازارهای جهانی افق توسعه اقتصادی را به روی سرمایه داری ایران بکشایند. از اینرو برنامه های اقتصادی دراز مدت دولت روحانی، یا مدلی که برای توسعه اقتصادی ایران در نظر دارند، نتیجه اش تشدید استثمار نیروی کار ارزان ایران، پایین نگاه داشتن سطح دستمزدها و بیکارسازی های گسترده تر است. جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار ایران می خواهند با پا گذاشتن بر دوش طبقه کارگر ایران زیان ها و خسارات دوره تحریم ها را جبران کنند.

اما بر متن این فقر و فلاکت بی سابقه مبارزات صنفی کارگران بی وقفه ادامه داشته است. در یک سال اخیر تقریبا هیچ روزی نبوده که شاهد چند اعتراض و اعتصاب کارگری نبوده باشیم. در یک سال اخیر شمار اعتراضات و اعتصابات کارگری و تعداد کارگران شرکت کننده در این مبارزات، نسبت به سال قبل افزایش پیدا کرده است و مبارزه جاری کارگران در ماهها و هفته های اخیر نشان می دهد که این روند ادامه دارد. مبارزات کارگران ایران در این دوره و بر متن تشدید فقر و فلاکت اقتصادی و تداوم سرکوب و بگیر و ببند فعالین آن جریان دارد. تحمیل دستمزدهای سه مرتبه پایین تر از خط فقر، رواج گسترده قراردادهای موقت و سفید امضا، ظهور شرکت های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی که بخشی از دستمزد کارگران را به غارت می برند، خروج بخش وسیعی از کارگران ایران از شمول قانون کار و بیکارسازی های گسترده، به زمخت ترین شکل موقعیت دشوار طبقه کارگر ایران را به نمایش می گذارد. با این وصف جنبش کارگری زنده ترین جنبش حی و حاضر موجود و در صحنه است.

در شرایط کنونی که جنبش مطالباتی کارگران علی رغم پراکندگی آن و